پرخاش

شماره اول - دوره پیروزی - تکشماره ۱۰ ریال
۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۷

سلام بر رهبر انقلاب

بازرگان، رئیس بی تکلف و پرتکلیف دولت

همه میدانیم شخص مهندس بازرگان، هنگامیکه به پذیرش مسئولیت دولت موقت تن درداد که هنوز پادگانهای شاهنشاهی با فرماندهانی از نوع خسروداد و قره باغی برجای خود استوار بودند و مولود منحوس ۱۲۹۹ با تشبث بهروسیلتی میخواست از نمایش مفتضح قدرت درسرکوبی نهضت مردم آیران استفاده کند ورئیس دولت وقت هم که نامردیهای سران مزدورارتش را درحوادث فراوان ازیاد برده بود از دولت بازرگان با عنوان یک شوخی یاد میکرد، غافل از اینکه اگر این امیران را غیرتی و ازحمیت و مردمی نشانی بود نه درشهریور ۲۰ انچنان زنانه میگریختند و نه درراههای آن پادشاه دیوانه اینسان وحشیانه برجان جوانان آتش میریختند

بازرگان یک تنه بمیدان آمد مسئولیت راپذیرفت و شما از این موضوع به آسانی نگذرید چه بسا ممکن بود مبارزه مدتی بیشتر دوام باید و این مرد موحد و معتقد که جان خویش را با مرارت از شکنجه گاههای رژیم بیرون کشیده بود با نام جاودانه سردار ملی معامله کند و اکنون درمیان ما نباشد.

اینک که دشمن ظاهرا منکوب و سپاه ملت براریکه قدرت تکیه زده است دولت بازرگان صرفنظر از یکی دو مورد، ضعف بسیار شدیدی که دارد، درمجموع از برجسته ترین مبارزان ملی و مجاهدان ضداستبداد تشکیل و الحق دراینمدت کوتاه با همه مشکلات، توفیقات فراوان داشته است.

موقع بازرگان بی تکلف و دولت او ومشکلاتی که دربرابرش قرار دارد، درحدیست که هرکودک ابجدخوان بخوبی آنرا درک میکند و آنانکه بدون توجه به حساسیت زمان و خطرات محتمل

درصفحه ۳



پاسداری از انقلاب ایران

مهندس کاظم حسیبی از جمله ازاد مردانی است که افتخار آزاد مردی را برایگان بدست نیاورده است. از عنفوان جوانی در خدمت نهضت ملی ایران بود، و موی سپید او گویای گذران عمری است که تمام لحظات آن در مبارزه با

درصفحه ۶

آخرین سرمقاله شادروان دکتر حسین فاطمی

شرکت سابق و روزنامه های محافظه کار لندن دیروز عزادار بودند

لحن دیرور اخبار و تفسیرهای مطبوعات و رادیوی انگلیس بسیار غم انگیز، ماتم خیز و سوزناک بود. همینکه بلندن خبر رسید که دستور «ارباب» نتوانست کاملا بموقع اجرا درآید و نوزاد ناپاک «کودتا» درمشیمه مادر خفه شد تاثر عمیق همه آن مجالس را که هنوز از محصول کودتای «آرنسید» کلنل همراه و الهام دهنده رضا خان - بهره

درصفحه ۶



سردار شهید نهضت ملی ایران دکتر حسین فاطمی

مجرمین از مرز گریخته

از: دکتر انواری، وکیل دادگستری

بحثی برای بازگرداندن و مجازات غارتگران و متجاوزین به حقوق مردم

* این پولها در چه مقیاسی در اختیار این نجیب زادگان است که میتوانند از اصل یا بهره آن شبی سیصد هزار پوند بپازند؟

* برای استرداد حقوق از دست رفته ملت وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری نقش و وظیفه ای بس مهم دارند

* امیدواریم تصفیه ها و تغییراتی که قرار است در دادگستری انجام شود موجب نگردد که جای قضاة دانشمند را خالي به بینیم.

درصفحه ۲

توطئه قتل کریمپور شیرازی وتوطئه‌ای دیگر برای قتل کریمپور اصفهانی؟...

درصفحه ۴

ضد انقلاب ها در صف اول انقلاب...

همه رستاخیزی ها - همه ساواکی ها و جاسوسان سینه سپر کرده و بانگ برآورده اند که انقلاب ما پیروز شد

دکتر سعید فاطمی

همه رستاخیزی ها همه ساواکی ها وجاسوسان سینه سپرکرده بانگ براورده اند که انقلاب ما پیروز شد رژیم رضاخان متاسفانه چندقربانی بیشتر نداشت - شایدهم جزپزشک احمدی کسی واقعا قربانی نشد زیرا سرپاس رکن الدین مختار (آرتشبدنصیری دستگاه محمدخائن شاه) بعدها دراملاک پهلوی پیشکار (اشرف) قاتل کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش شد وسرهنگ نیرومند که بگفته زندانیان قصر قجر «هروقت صدای چکمه اش را می شنیدند

درصفحه ۲



پدری مهربان، معلمی دلسوز، رهبری اگاه

افتخار همکاری پرخاش با پیشوای ملت ایران ازسال ۱۳۲۰ آغاز شد که او از تبعید رضاخانی بتهران بازگشت برای اولین بار انگاه که پیشوا درمخالفت با انتخابات فرمایشی قوام درمسجد شاه تهران بایراد سخنرانی پرداخت پرخاش ان سخنرانی را بطور فوق العاده منتشر کرد واز آن پس پرخاش با رهنمودهای اوراه خلق را ادامه داد.

او پدری مهربان بود وباید رفتارش با من وهمکارانم که درگروه جوانان تندرو قرار داشتم هم برای جوانان وهم برای رهبران فعلی درس اموزنده باشد.

درصفحه ۲

هموطن عزیز... خواننده گرامی پرخاش

اولین نوروز آزادیت مبارک

شادمان باش و همراه با رایحه، بهاری بتمام معنی، مقدم آزادی را گرامی دار.

نگرانی غرب از افزایش قیمت نفت

با افزایش صادرات ایران سایر اعضای اوپک جهان را به کاهش تولید نفت تهدید میکنند

بعد از ۶۸ روز توقف صادرات هفته پیش طی مراسم خاصی نفت ایران مجددا به بازار جهان بازگردانده شد رژیم جدید ایران مصرانه اعلام میکند که هرگز

درصفحه ۲

اساسا محمدرضا، پسرارشد رضاخان نبوده است

درصفحه ۳

نگرانی غرب از افزایش قیمت نفت

بقیه از صفحه اول

میزان فروش نفت خود را به پنج ونیم میلیون بشگه در روز که به ایران پیش از انقلاب مقام دومین صادر کننده نفت در کارتل او پک را داده بود نمیرساند.

درعین حال اقتصاد از اعتصاب ویران شده این کشور نیاز مبرمی بفروش نفت و پول نقد خارجی دارد. واز انجا که دولت هنوز نمیداند به چه مقدار درآمد نیاز دارد، شرکت ملی نفت ایران نیز نمیتواند مقدار نفتی را که باید استخراج کند تخمین بزند. در چنین وضع مبهمی مقامات ایرانی ارقام صادراتی نفت خود را بطور دیمی پیش بینی میکنند نتیجه اینکه این براوردهای توام با حد سیات مقامات نیمه رسمی از دومیلیون بشگه درروز شروع وتا چهارمیلیون بشگه نیز میرسد.

فشار کمبود نفت در جهان صرفنظر از اینکه ایران درآینده چه خواهد کرد شدیدتر خواهد شد. قیمت ها قوس صعودی خود را طی میکنند ودلیل عمده آن اینستکه کشورهای او پک یکی پس از دیگری بطور یکجانبه قیمت نفت خود را افزایش داده اند و یا اعلام نموده اند که در بهارآینده این چنین خواهند کرد. هفته پیش الجزایر وعراق به این فهرست اضافه شدند. ۲۸ درصد افزایش قیمت اعلام شده الجزایر تاکنون از همه بیشتر بوده است.

تهدید وحشتناک دیگری که همه با ان آشنا هستند بطور غیر مترقبه‌ای غرض اندام میکند: احتمال کاهش قریب الوقوع تولید توسط سایر اعضای او پک لیبی بیش اعلام نمود که از آغاز ماه آوریل برنامه تحویل نفت خود را به شرکت های نفتی بین ۱۲ تا ۱۸ درصد تقلیل خواهد داد الجزایر نیز به مشتریان نفتی خودگفته است خریدهای خود را ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهند.

مقامات او پک سعی نموده اند عرضه مداوم نفت را به راه حلی که متضمن منافع فلسطینی ها در تضاد اعراب واسرائیل باشد پیوند دهند. ولی علت واقعی برای کاهش تولید اینستکه عرضه نفت را محدود و قیمت ها را بالا نگهدارند. حتی در شرایطی که ایران تولید محدود خود را از سرگرفته است.

انگیزه سودجوئی کارتل نفتی در کنفرانس انرژی اعراب در ابوظبی هفته پیش کاملا مشهود بود. اعضای هیئت های نمایندگی به شدت شرکت های نفتی غربی را برای خرید وفروش نفت بین خودشان با سود های کلان مورد حمله قراردادند مانی سعید اوطیبی وزیر نفت اتحادیه امیرنشین های عرب ودبیر او پک پیشنهاد نمود که در اجلاس اینده در ۲۶ ماه مارچ در ژنو او پک باید از شرکت های نفتی سودجو وتجاوز کارلیست سیاهی تهیه نماید واز فروش نفت بانها خودداری کند.

حقیقت اینستکه اعضای او پک خودشان درتعیین قیمت نفت اجحاف میکنند. عراق نه تنها در قراردادهای دراز مدت فروش بهای رسمی نفت خود را افزایش داده است. بلکه از بازارهای محلی نفت که بصورت حراج بفروش میرود قیمت های کلان تری دریافت نموده است. نیجریه نیز طبق گزارش های واصله نفت خود را تا بشگه‌ای ۲۳ دلار به اسرائیل فروخته است یعنی حدود ۱۰ دلار بیش از بهای رسمی او پک برای هربشگه

کارشناسان نفتی معتقدند نیت لیبی از کاهش دادن تولید نفت هم ارتقاء قیمت نفت است وهم اینکه برای فروش در بازار های محلی مقداری اضافی نفت ذخیره کند.

این تاکتیک ها مقامات شرکت های نفتی را بسهم خود بفکر تهیه لیست سیاهی انداخته است تا براساس ان احتمالا از خرید نفت دربازارهای محلی وبصورت حراج از کشورهای او پک که به تعهدات خود درقبال قراردادهای دراز مدت برای فروش نفت عمل نمی نمایند خودداری کنند.

کلیفتن گاروین رئیس هیت مدیره شرکت بزرگ نفتی اکسان گفته است اعتقاد ما اینستکه ما نباید نفت را به قیمت سنگین بازار های محلی خریداری کنیم سایر مقامات نفتی اینگونه مطمئن نیستند. هفته پیش شرکت رویال دچ شل که از مشتریان عمده ایران قبل از سقوط شاه بود دوباره برای خرید نفت از ایران با تانکر غول پیکر خود در صف انتظار ایستاده بود.

در واقع هم شرکت های نفتی وهم اعضای او پک هردو از افزایش سریع قیمت ها سود میبرند. سود صنایع نفتی در ربع اول سال جاری انتظار میرود از ۲۰٪ تا ۴۰٪ نسبت بسال قبل افزایش یابد. ودلیل آن فروش ذخایری است که به قیمت سال قبل خریداری وانبار شده است تقدیر اینستکه تعدادی از این شرکت ها آنچنان سودی درونمایند که باعث شرمندگی خواهد بود. طبق پیش گوئی های شرکت پین و یبر وال استریت شرکت نفت اشلند که بزرگترین شرکت مستقل تصفیه نفت در آمریکا است شاهد این خواهد بود که منافعش در ربع اول سال جاری نسبت به سال گذشته ۵۱۷ درصد جهش نشان دهد علت این سودفوق العاده معاملات پی در پی ایست که این شرکت درزمان بحران نفت انجام داده است هفته گذشته شرکت اشلند ۳۰۰ هزار تن نفت خام ایران را با قیمت گزاف بشگه‌ای ۱۹/۵ دلار با رغبت فراوان خریداری نمود واین در شرایطی است که موجودی انبارهای این شرکت اشباع شده است مدیران شرکت اشلند مطمئن نبودند که با نفت ایران میخواهند چه کنند ولی تلویحا گفته‌اند که ممکن است نفت خریداری شده را در هفته های آینده گرانتر از آنچه که از ایران خریداری کرده اند به فروش رسانند.

مثل همیشه قربانیان نهائی دراین ماجرا مصرف کنندگان هستند. هفته پیش همانطور که انتظار میرفت اخبار مایوس کننده ای درباره تورم بگوش رسید. گرچه اثرات افزایش قیمت نفت او پک تازه دراقتصاد آمریکا میرود که بتدریج محسوس شود قیمت عمده فروش کالاها یک درصد درماه فوریه جهش داشت ومانند ماههای قبل قیمت مواد غذائی در ردیف اول بود.

قیمت نفت خام انتظار میرود از سطح فعلی به حداقل ۱۶ دلار هربشکه تا پایان سال برسد. گرچه بهای ۱۸ دلار یا بیشتر یک احتمال قوی است. افزایشی بدین مقیاس رشد اقتصادی آمریکا را کند خواهد نمود وتورم وبی ثباتی پولی جهانی را تشدید خواهد کرد بعوض اینکه میزان کسری معاملات تجارت خارجی آمریکا همانگونه که پرزیدنت کارتر امید داشت از سال گذشته از ۲۸/۵ میلیارد به ۲۰ میلیارد دلار یا کمتر تقلیل پیدا کند کسری معاملات خارجی طبق پیش بینی موسسه دی تا ری سورس از مرز ۲۹ میلیارد دلار خواهد گذشت وچنانچه اگر بهای هربشگه نفت تا ۲۲ دلار افزایش یابد کسری معاملات خارجی آمریکا بالغ بر ۳۹ میلیارد دلار خواهد شد واین میتواند موجبات سقوط مجدد دلار را فراهم نماید.

هیچکس نمیداند که نظام پولی جهان بدون تغییرات اساسی از این ضربه ها جان سالم بدر برد. ولی تا زمانیکه ثبات واقعی بفوریت به بازار نفت بار نگردد مردم جهان بدون اینکه نیازی به انتظار طولانی داشته باشند. باین واقعیت پی خواهد برد.

خلاصه اینکه محدود کردن عرضه نفت توسط او پک مسائل عمده‌ای را درزمینه قیمت ها موجب شده است که بنوبه تهدیدی است برای آغاز بحران های مهم مالی درسطح جهان (نقل از مجله تایم ۱۹ مارج ۱۹۷۹)

مجـرمین از مـرز گریخته

بقیه ازصفحه اول

درروزهای پرصلابت وباشکوه نیمه دوم بهمن ماه، روزهائی که میرفت تا حماسه مردمی وزیبای کشور مارا به ثمر برساند ورژیم فاسد ودیرپا را بدست صفحات ورق خورده تاریخ بسازد بضرورتهای امنیتی وملی فرودگاههای کشـور بسـته شده بودند. اخبار وگزارشهای واصله درآن چندروز حکایت داشت که چه بسیار جوانان ودانش جویان هم وطن ما که قصد برگشت به میهن خود را داشتند بعلت عدم امکان پرواز درشهرهای اروپائی وفرودگاههای خارجی ویلان وسرگردان مانده بودند از بی پولی وگرسنگی درعذاب بودند وحتی جائی را نداشتند که شب رادران بیتوته کنند وناچار بودند درکنار خیابانها قدم بزنند وشب را به صبح برسانند. درهمانحال افرادی نه معدود بلکه بیشمار، که به ظاهر ایرانی وازاین مردم هستند، چون فقط پاسپورت ایرانی دارند، با پولهای باداورده ای که نمیتواند جزدریک رژیم اقتصادی واجتماعی بیمار وفاسد، باین مقیاس دراختیارشان باشد درمجلل ترین کازینوهای ساحل ابی لندن ولاس وگاس مشغول برباد دادن پولهای مردم استثمار شده این مملکت بودند. به نقل ازکسانیکه دربی نظریشان ودرصحت روایتشان تردیدی نیست یکی ازاین نوکیسه ها که به برکت رژیم خودکامه بیمار، لندن نشین شده است دریک شب سیصدهزار پوند انگلیسی دریک قمارخانه لندن باخته بود واین باختها چندشب درهفته ادامه داشت وازاین قمـاش بازندگان ایرانی درکازینوهای غرب متعدد وفراوانند. مسئله قابل توجه اینکه این پولها درچه مقیاسی دراختیار این نجیب زادگان است که میتوانند ازاصل یا بهره آن دریک شب سیصدهزار پوند ببازند؟

بحث دراین مطلب که این ثروتهای سرشار، بچه طریق به کیسه این نوکیسگان ریخته شده وبیانکهای خارجی منتقل گردیدم خود موضوع دامنه دار ومستقلی است که میبایستی ازطرف متخصصین اقتصادی ومالی مورد بررسی قرار گیرد ولی مطالعه ای اجتماعی درمورد این اشخاص ومشاغلی که دررژیم منحط ساقط داشته اند نمایانگر این حقیقت است که با همکاری ومشارکت با کمک خانواده سیری ناپذیر حاکم وقت ودیوان سالارانی که درمقامات وزارت، معاونت، کارچاق کنی، امارت و... قرار داشته اند با ارتکاب مسلم جرائمی از قبیل کلاهبرداری، حقه های مالیاتی، ارتشا وترلیس درمعاملات دولتی، تقلبات گمرکی، جعل، تصرف بناحق املاک مردم وغیره موفق شده اند بیت المال مردم را غارت کنند. بعبارت دیگر اینگونه مال اندوزیها همراه وهمزاد ارتکاب جرائم متعدد بوده است.

اکنون با موفقیت انقلاب ملی اسلامی مردم ایران توقع چنین است که اقدامات لازم وبه هنگام برای بازگرداندن ومجازات این خطاکاران معمول شود ودراین میان وزارت امورخارجه ووزارت دادگستری نقشی مهم تر دارند و خدای ناکرده اگر اقدامات لازم را باسرعت هرچه بیشتر انجام ندهند قطعا فردا خیلی دیرخواهد بود. درمورد شاه سابق وخانواده اش اقداماتی ازطرف وزارت دادگستری بعمل آمده ولی تاکنون به نتیجه ای نرسیده است بررسی وضع این گروه از جنایتـکاران وغارتگران بیت المال مسائل مهمی را ازقبیل طرح وبررسی جرائم عادی وسیاسی تجاوز تخطی ازحقوق وحدود مندرج درقانون اساسی منسوبه، استرداد مجرم درمقابل اعطاء پناهندگی سیاسی، ماهیت قانون مستند حکم وصحت احکام محاکم با توجه به قانون مستند را مطرح میکند وهرگونه اقدامی که ازطرف وزارت دادگستری دراین مورد معمول شود میبایستی با مطالعه وبررسی کامل جوانب حقوقی امربا مددگیری ازتکیه گاههای سیاسی واقتصادی مملکت باشد ومانیز بررسی این قسمت را، با توجه به اهمیت تصمیت موضوع که لازمه اش بحث مستقلی است به قسمت بعدی این مقاله درشماره آینده موکول می کنیم ودراین شماره به بررسی وضع مجرمین عادی فراری وطرق استرداد آنها وامکان برگرداندن اموال غارت شده میپردازیم. دربالا گفته شد که وزارتخانه های امور خارجه ودادگستری دراین موضوع قابل توجه نقش اساسی را بعهده دارند ودرزیر اجمالا اقدامات ضروری با توجه به اصول حقوقی بررسی می شود.

هدف از تاسیس حقوقی استرداد اینست که فرار متهم یا مجرمی که در کشوری دست بارتکاب جرم زده مانع اجرای عدالت در باره او نگردد و کشوری که جرم در انجا واقع شده وباو خسارت وارد آمده بتواند مستقیما وجدا متهم را مورد بازپرسی و محاکمه قرار داده او را به مجازات برساند. این تاسیس حقوقی نه تنها منافع کشور تقاضا کننده را در بر میگیرد بلکه منافع مشترک جامعه بین المللی را از نقطه نظر اجرای عدالت و تثبیت حاکمیت ملی تامین می کند ولی، باید توجه داشت که این اصل شناخته شده حقوقی زمانیکه با مفهوم «تابعیت» تلاقی میکند اثر خودرا از دست میدهد بعبارت دیگر دولتها اتباع خود را بدولت دیگری مسترد نمی کنند. در بعضی از کشورها مانند امریکا داشتن اجازه اقامت (گیرین کارد) نیز حقوقی مشابه حقوق تابعیت بافراد میدهد. حال با توجه به مبانی استرداد که اجمالا ذکر شد متذکر میشویم متجاوزین به بیت‌المال و به حقوق عمومی که هرکدام به سوئی گریخته‌اند به سرعت درصدد کسب تابعیت یا اجازه اقامت از دولت کشور متوقف فیها هستند و برای کسب تابعیت آن کشورها و بالنتیجه امکان ایجاد مانع برای استرداد به طرق مختلفی که آن‌ها را به تابعیت کشور دیگری در میاورد از قبیل ایجاد کسب و حرفه، اقامت دوران بازنشستگی، ازدواج و غیره متوسل میشوند. خوشبختانه طی مراحل قانونی کسب تبعیت کشورهای خارجی معمولا بین یکسال تا سه سال طول میکشد و دراین مدت متقاضیان تبعیت کشور اصلی خود یعنی ایران را خواهند داشت و می بایستی دارای پاسپورت معتبر ایرانی باشد. دراین برهه از زمان به عهده وزارت خارجه است که با همکاری سایر وزارتخانه‌ها و حتی کمیته های انقلاب متجاوزین به حقوق عمومی و غارتگران بیت‌المال از هر دسته و طبقه‌ای که باشند (مقاطعه کاران دولتی، زمین خورها، صاحبان انحصارات، راشیان و مرتشیان، کلاهبرداران، دلالان معاملات، جنایتکاران ارتشی و آنها که دستشان تا مرفق به خون‌فرزندان این مملکت آغشته است، سیاستمداران حرفه‌ای و حرفه بمزد... و غیره) را شناسائی کرده و طی بخشنامه‌ای به همه‌ی سفارتخانه های ملی ایران، تمدید پاسپورتهای آنها را ممنوع نماید. حتی از نقطه نظر اصول حاکم بر روابط بین‌المللی نمایندگیهای ایران در کشورهای خارجی میتوانند بی اعتبار بودن پاسپورتهای این دسته افراد را به ادارات مربوط در کشورهای مختلف اعلام دارند. اتخاذ این سیاست میتواند کمک موثری به اخراج دزدان بیت‌المال از کشورهائی که در ان سکونت کرده‌اند (ولی هنوز موفق بدریافت تابعیت ان کشور نشده‌اند! بنماید) بموازات این اقدام وزارت دادگستری وظیفه دار است اقدامات لازم را برای تعقیب این مجرمین از مرز گریخته بشرحی که ذیلا خواهد امد معمول دارد:

ب - اقداماتی که میبایستی از طرف وزارت دادگستری انجام شود.

بطوریکه در بالا اشاره رفـت موضوع استرداد مجرمین یکی از قواعد شناخته شده حقوق بین‌المللی است. این قاعده بدین معنی است که اگر شخص اعم از ایرانی یا غیر ایرانی در محدود حاکمیت ایران مرتکب جرم یا جرائمی شد دولت ایران میتواند استرداد متهم یا محکوم را از هرکشوری که آن شخص در آن سکونت دارد تقاضا نماید و کشورها نیز با رعایت اصول شناخته شده در قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه و هم برحسب اصل همکاری بین المللی میسر است. گرچه این واقعیت صحیح است که در حال حاضر، فقط با ۵ کشور خارجی (۴ کشور همجوار و دولت فرانسه) دارای قرار داد استرداد مجرم میباشیم ولی بطوریکه گفته شد فقط قرار دادهای بین‌المللی مبنای اجرای اصل حقوقی استرداد مجرم نیستند بلکه قوانین داخل کشورها طرق استرداد مجرم را معمولا بشرط معامله متقابل پیش بینی نموده‌اند چنانچه همین امر در ماده ۱ قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ پیش بینی شده و استرداد مجرم (حتی اگر در قراردادهای دو جانبه و چند جانبه پیش بینی نشده باشد) با رعایت اصل معامله متقابل وظیفه‌ای برای دولت ایران شناخته شده است و چون امروز امر «رفتار متقابل» در صحنـه روابط بین‌المللی بصورت قاعده در امده و اصل بر اینست که کلیه کشورها با یکدیگر رفتار متقابل دارند لذا بر مبنای همین قانون استرداد مجرم وزارت دادگستری میتواند بلافاصله پس از شروع به تعقیب متجاوزین به بیت‌المال و مجرمین استرداد اشخاص متهم را از هر کشوری بوسیله وزارت امور خارجه تقاضا نماید. برای حصول نتیجه وزارت دادگستری الزاما میبایستی متهمین گریخته از میهن را در مراجعی که قانونا صالح برای رسیدگی بجرائم انهاست و منطبق با قوانینی که در زمان ارتکاب جرم حاکمیت داشته‌اند و نه قوانینی که بعدا وضع خواهد شد تحت تعقیب قرار دهد. اگر تعقیب اینگونه متهمین بدین سان صورت گیرد کشور استرداد کننده بهانه‌ای برای عدم استرداد متهمین نخواهد داشت زیرا که چنین تعقیباتی با رعایت اصول شناخته شده حقوقی در دنیا بعمل امده است. بحث در ریزه کاریهای باصطلاح فنی و تکنیکی این قضیه از حوصله این مقوله خارج است ومسلم است در صورتیکه وزارت دادگستری با رعایت این اصول به تعقیب متهمین فراری مبادرت ورزد قضاة مطلع بامور حقوقی بین المللی (که امیدواریم تصفیه‌ها و تغییراتی که قرار است در دادگستری انجام گیرد موجب نشود که جای خالی انها را در دادگستری لمس کنیم) خود راه و چاه قضایا را میدانند.

آنچه بطور خلاصه بقلم رفت مربوط به اشخاص متجاوز به حقوق عمومی و بیت‌المال بود و اما اینکه با پولهای پر کشیده و پرواز کرده این مجرمین طماع و سودجو چه کنیم و چگونه اب رفته را بجوی باز گردانیم خود موضوع مقاله دیگری است که بخواست خدا در شماره های اتیه پرخاش از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

پدری مهربان...

نگارنده بسابقه جوانی هرنظری را با صراحت بیان میکردم ومیخواستم که پیشوای ملت ایران کارها را آنگونه سروسامان بدهد که ما می اندیشیدیم او با بردباری همه مطالب را می شنید گاهی مارا با توضیحات عاقلانه خود ارشاد میکرد و با حرمتی که برای آزادی قائل بود مارا درانتخاب طریقه آزاد میگذاشت معلمی مهربان بود زیرا هرگز از آموزش ما لحظه ای فروگذار نمیکرد روزیکه درموضوع تأسیس مجلس سنا بحث میکردیم حقا بیش از یکساعت بهتر از هرمعلمی درباره کشورهای دومجلسی وانواع آن سخن راند وبالاخره با طنزی که کمتر از آن بزرگوار دیده میشد اضافه کرد حضرات بیست سال بحساب مجلس شورا شوربا بخورد این بیمار دادند حالا معلوم میشود که مزاج بیمار احتیاج بسنا هم دارد.

بقیه در صفحه ۵

اساسا محمدرضا فرزند ارشد رضاخان نبوده است

پسر ارشد رضاخان اولین قربانی فرعون فراری



نه جاهی داشت نه جلالی نه ثروتی و نه مکنتی با این وصف مردم او را می شناختند مگر نمیشود کسی بدون داشتن مقام ومنصب وثروت همانند دیگر کله گنده ها معروف ومشهور باشد ایا پسر یا برادر «شاه» بودن کافی نیست که یک موجود درمانده را انگشت نمای خاص وعام نماید.

تا چند سال پیش که هنوز بار سنگین مشکلات زندگی پشتش را خم نکرده بود مانند شاخ شمشاد عصرها توی خیابان چهار باغ قدم میزد قامت رسا شانه های پهن موهای پرپشت وچین خورده چشمهای سیاه وابروان کشیده اش برای هیچکس جای شک و تردیدی باقی نمیگذاشت که او از برادران قلدر کودتاچی ۱۲۹۹ که سنگ بنای ننگین دوره تاریخ «شاهنشاهی» را بنیان گذارد نسبتی بسیار نزدیک است با اینکه خودش بود وجودش شاهد دلخوش میدانست که از خاندان (فرعون عصر) است و بامید بازگشتن اب رفته بجوی، خودی میگرفت

وقتی مدیر روزنامه احضاره کرد و گفت باید فورا بروی با علامرضا پهلوی. مصاحبه کنی از تعجب دهانم باز ماند نگاهم توی چشمش خشکید خدا عمرش بدهد نگذاشت بیشتر در بهت وحرف باقی بمانم و بدنبال یک قهقهه ادامه داد فهمیده عوضی گرفتی نه جانم منظور اون علامرضا پهلوی وردار و رمال مفسد فی الارض نیست بلکه مقصودم این علامرضای بینوای افتاده در دریای فرض است که در اصفهان با هولای فقر وتنگدستی دست وپنجه نرم میکند نفس راحتی کشیده وباتفاق عکاس روزنامه رو به سربالائی های هزار جریب براه افتادیم شنیده بوده که یکی از خانه های کوچک بانک رهنی را بطور قسطی خریداری کرده ودر انجا روزگار میگذراند اما نشانه دقیق انرا نمیدانستم. از هرکس می پرسیدیم منزل غلامرضا پهلوی کجاست بربر نگاهمان میکرد. بگونه نگه کردن عاقل اندر سفیه نگاهی لبریز از شگفتی... بالاخره پرسان پرسان به منزل شاهزاده رسیدیم. پر بدک نیست خانه نقلی کوچکی است حدود چهل متر ساختمان دارد. از در ودیوارش اثار وعلائم طاغوت نمایان است. مگر اثار طاغوت غیر از فقر وفلاکت چیز دیگری هم هست؟ به اطاق پذیرائی هدایت شدیم که یک تخته قالی مستعمل درشت باف کار بختیاری کیپ کیپ اطاق را پوشانده بود چهار عدد مبل کهنه برحمت در ان جای داده اند عکسی از امام خمینی زینت بخش دیوار است نسبت به چند سال پیش خیلی پیر وشکسته شده موهایش بطرز نامرتبی کوتاه قسمت بالای پیشانی اش تقریبا حنائی رنگ وبقیه خاکستری. بی وقفه پک به سیگار میزند ودر قید ان نیست که خاکستر سیگارش با ضربه انگشت کجا میریزد. از سر گذشتش می پرسم واینکه میان یک دوجین برادر وخواهر ریز ودرشت رضاخان که هر یک کیاستی داشتند چرا او اینطوری بر اورده. دستهایش را بهم میساید نگاهش را به نگاهم میدوزد و پس از چند لحظه سکوت به حرف میاید. تقصیر اون مادر فولاد زره بود. تاج الملوک را میگویم. مادر محمد رضا. تا ده سالگی در همدان با مادرم زندگی میکردم. غیر از دائی هایم که گاهی بدیدنمان میامدند هیچگاه مردی بخانه ما پا نمیگذاشت. هیچوقت کسی بعنوان پدر دست نوازش برسره نکشیده بود. فکرش را هم نمیکردم که میبایستی پدری داشته باشم. کم کم از زبان بچه های کوچه شنیدم که هر یک از انها دارای پدری هستند

وفهمیدم فقط من هستم که از چنین نعمت بزرگی محروم. احساس بی پدری سراپای وجودم را باتش کشید. غم واندوهی بزرگ در قلب کوچکم لانه کرد اغلب روزها وشبها در گوشه ای خود را پنهان میکردم ودور از چشم مادر اشک میریختم ولی درین باره با مادر حرفی نمیزدم. نمیخواستم او را ازرده خاطر کنم راستی زن خوبی بود خدایش بیامرزد. عاقبت یکروز کاسه صبرم لبریز شد مادر را مخاطب ساخته گفتم چرا همه بچه ها پدر دارند ولی من.... این سوال همچون پتکی برسر ان زن رنجدیده وبلا کشیده فرود امد. در اغوشم کشید گونه هایم را بوسید چشمهایش از اشک پر شده بود بغض گلویش را میفشرد با صدائی گرفته گفت. مادر بقربانت برود تو هم پدر داری پدرت بسفر رفته اون قزاقه نوکر شاهه. اختیارش دست خودش نیست انشاالله همین روزها پیدایش میشه برات سوغاتی های خوب میاره. مدتها گذشت واز پدر خبری نشد من همچنان در انتظار بوده که روزی بیاید واو را به بچه های کوچه شان دهم وبگویم منم مثل شما پدر دارم ویکروز وقتی از بازی خسته بخانه امدم مادرم را خیلی خوشحال دیدم بی اختیار در اغوشم کشید وگفت خبر خوبی دارم شنیده پدرت رفته همه تهران را گرفته وخودش رئیس همه قزاقها شده

چند ماه بعد باتفاق مادرم رهسپار تهران شده. فکر دیدن پدر دلم را لبریز از شادی وشعف کرده بود از او تصاویر گوناگونی در ذهنم ساخته بودم. فکر میکردم او هم با دیدن من ومادرم خوشحال میشود وکانون خانواده مان گرم خواهد شد. وقتی وارد تهران شدیم یکراست رفتیم منزل مرد معممی که با مادرم قرابت داشت مردی مهربان ودوست داشتنی.

از ما بگرمی ومحبت پذیرائی کرد در برخورد اولیه گمان کردم او همان پدری است که دلم برای دیدنش می تپد اما خیلی زود از اشتباه بیرونم اوردند وگفتند پدرت اهل عبا وعمامه نیست «تاج» بسر گذارده. پادشاه وفرمانروای کشور شده!!... وای خدای من چه می شنوم پدرم شاه شده یعنی من شاهزاده ام؟... دیگر سر از پا نمی شناختم وبا صدای بلند مرتب تکرار میکردم من پسر شاهم... من پسر شاهم.... در ان لحظات هیچ بفکرم نمیرسید که پسر شاه بودن چه بدبختی ها وچه مصیبت ها دامنگیرم خواهد کرد به مادر گفتم چرا معطلی برخیز برویم پیش پدر به قصر شاه.

مادر گفت عزیزم درست است که او شوهر من وپدر توست اما بهرحال شاهست ورفتن به نزد شاه محتاج به کسب اجازه وانجام تشریفات خاصی است باو گفتم چرا بچه های همسایه برای دیدن پدرشان اجازه نمی گیرند وتشریفات خاص بجا نمیاورند مادر نمیتوانست جواب درست وحسابی بدهد ناچار ان مرد معمم به کمکش امد وگفت پسرجان انها که تو دیده ای مردمی معمولی وساده دل هستند قلب انها سرشار از عواطف انسانی است اما حساب پادشاهان از دیگران جدا است. هر قدر مقام ومنصب شخص بالا میرود از میزان عاطفه ومحبتش نسبت بدیگران کاسته میشود.

فراوان بودند پادشاهان وفرمانروایانی که بخاطر حفظ تاج وتخت فرزندان خود را کور میکردند یا بدست جلادان می سپردند ولی نگران نباش زیرا عریضه نوشتیم ودرخواست شرفیابی دادیم. باید منتظر باشیم جواب عریضه بیاید انوقت تو با مادرت پیش شاه بروی. نمیدانم چند وقت طول کشید اما یکروز مردانیکه لباسهای ابی برتن وکلاه دو لبه برسر وچکمه بپا داشتند امدند من ومادرم را سوار ماشین کردند بردند توی یک باغ خیلی بزرگ وارد باغ که شدیم یکی از انها دست مرا گرفت وپس از عبور از چند خیابان پر درخت کنار حوض بزرگی برد که اب از فواره های متعدد ان می جهید ولی مادر باتفاق بقیه مامورین نزدیک در مانده بودند. ناگهان مردی بلند بالا که شنل ابی رنگی بدوش داشت از پله های عمارت پائین امد تیمورتاش او را همراهی می کرد قیافه اش عبوس ووحشت اور بود. نزدیک ونزدیکتر شد. سراپایم را ترس فرا گرفت با نگاهی رعب انگیز براندازم میکرد نمیدانم چرا ان مامور یکباره بدور خودش چرخید وبیش از چهل پنجاه متر از ما دور شد. مرد بلند بالا به یک قدمی من رسیده بود. نگاهش را از من بر نمیداشت سخت ترسیده بوده نمیدانم کیست؟ وچرا اینطور نگاهم میکند. بالاخره انتظار به پایان رسید. هیکلش را به جلو خم کرد وبا دستهای زمختش شانه ام را گرفت وگفت به مادرت بگو عریضه ننویسد دستور داده ام برای تو زندگی خوبی درست کنند. وتو هم باید کمتر اینجا بیائی والا میکشندت. بدنم مثل بید میلرزید وصدا در گلویم خفه شده بود جرات حرف زدن نداشتم سرش را پائین تر اورد ویکبار پیشانیم را بوسید. بعد همان مامور با سرعت جلو امد دستم را گرفت واز همان راهی که امده بودیم برگشتیم.

ناتمام...

بقیه خبر انقلابی

میدانستند که امروز قربانی تازه‌ئی خواهند داشت...» و سرهنگ راسخ هرکدام دردستگاههای اعلیحضرت محمدخائن شاه (پهلوی دوم) مقامی ومنصبی گرفتند وبریش مردم ساده لوح خندیدند زیرا زمانی هم که ظاهرا زندان بودند بوسیله ایادی محمدخائن شاه مورد محبت قرار میگرفتند وحتی به خانه خود میرفتند!

رژیم شاه را یک قدرت آسمانی ودستی که ازغیب بیرون آمده بود درهم کوبید واین نیروی لایزال ومقدس «امام خمینی» بود که بارهبری قاطع وانعطاف ناپذیر خود تاریخ دوهزار وپانصدسال جنایت وخیانت را درهم نوردید اما انقلاب ایران بسیار آسان بدست آمد.

آنها که گمان میکنند این انقلاب مشکل بدست آمده قطعا اشتباه می کنند زیرا اگر آرتشبد ربیعی فرمانده نیروی هوائی بقول خودش با یک بمب شهر قم را ازروی نقشه جغرافیا پاک کرده بود ودیگر سرسپردگان رژیم منحوس وکثیف وفاسد ودزدپرور محمدخائن شاه قتل عام را باهلیکوپتر های «کبرا» درتهران وشهرستانها شروع کرده بودند انقلاب ایران با قربانی دادن میلیونها ایرانی به ثمر میرسید اما خدای ملت مسلمان ایران نخواست که ضحاک ماردوش بیش از آنچه خون ومغز جوانهای مارا مکیده وخورده بود براریکه سلطنت منحوس وغیرانسانی خود دوام بیاورد وایران را به یک بهشت زهرای بزرگ که دروازه تمدن اوبود تبدیل کند.

انقلاب ایران درنوع خود بی نظیر ودرتاریخ بشری بی همتاست. سرداران بزرگ نظیر «بناپارت» «ولینگتن» «نلسون» «فش» ودرزمان ما «مونتگمری» «آیزنهاور» «مک آرتور» هیچیک استراتژی «امام خمینی» را نداشته وبرقله فتح وپیروزی بسان «امام» صعود نکرده اند.

آینده «امام» را بزرگترین سردار تاریخ ایران خواهد شناخت وقهرمانی وپایمردی وشجاعت ودرایت اورا بی همتا خواهد شناخت.

مبعوث امام یعنی «بازرگان» نیز ازچهره های وفادار، مبارز، انسان، صدیق ومومن به انقلاب است اما خطردر پشت گوش ماست زیرا همه ضدانقلابی ها امروز ازهرانقلابی زجردیده وزندان کشیده نی انقلابی تر شده اند بدلیل انکه در ۳۷ سال حکومت محمد خائن شاه عوامفریبی وفساد وبوقلمون صفتی و فرصت طلبی را از «رهبر» خود که درراه «خیانت بزرگ» قدم گذاشته بود بخوبی فراگرفته اند! بهوش باشید! رژیم محکوم عاملان سرسپرده ودرجه اول خودرا درصف مجاهدان و مبارزان ملت ایران جازده است.

همه رستاخیزی ها همه ساواکی ها همه جاسوسان وپلیس ها وخبرچین ها لباس عوض کرده اند ودرصف مجاهدان سینه سپر میکنند که «انقلاب آنان به ثمر رسیده است!»

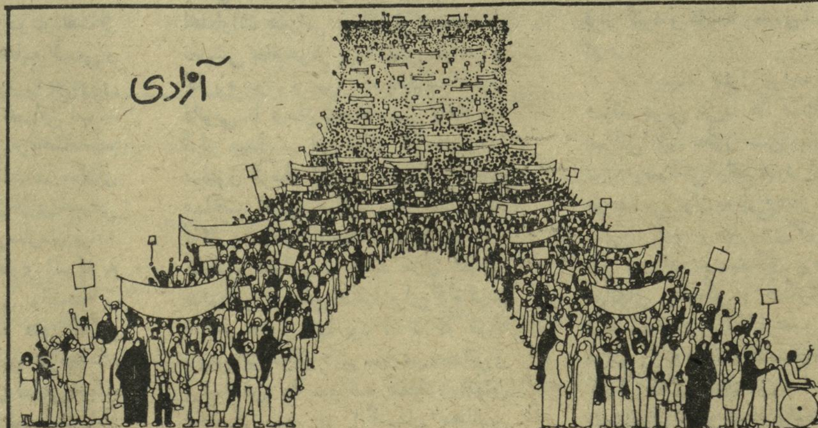
اگر نهضت مقدس اسلامی راه را برفرصت طلبان دروغگو وزشت رویان شیطان صفت ببندد وسرنوشت همه خیانتگران - یعنی اعدام» را درحق آنان به انجام رساند - تخم فرصت طلبی را درنطفه خفه خواهد کرد وبه گروهی شیاد مجال رشد نخواهد داد.

نصیری ها وخسروداد ها ورحیمی ها وناجی ها شناخته شده بودند - عوامفریبانی را که ازاین خیانتکاران جانی تر وخطرناکتر هستند نابود کنید وبه پادوهای رژیم محکوم مجال خودنمائی ندهید که اینان ازپرویز ثابتی وهم قماشان اوخطرناکترند.

رژیم محکوم با همه عوامل وضوابطش محکوم است. ۲۵ سال خفقان وآدمکشی وجنایت فقط درسی چهل نفری که اعدام شده اند خلاصه نمیشود. همه وزراء ومعاونان آنها همه وکلا وسناتورها - همه روزی نامه نویسان رژیم واتش بیاران انها را باید معدوم کرد تادراینده هیچکس قدرت ومجال تعدی بمردم بی پناه را پیدا ننماید.

شرم آور است بگوئیم افراد کثیف وجانیان بالفطره‌ئی نظیر سپهبد حسین ازموده وبرادرازاوجانی ترش سپهبد اسکندرآزموده که عامل کشتار تبریز بود آزاد برای خود برنامه هاي ضدانقلاب میریزند درحالیکه همین ازموده کثیف جانی به شریفترین ومقدسترین مجاهدان نهضت ملی ایران وقبیح ترین دشنام ها را میداد ودرمیدان تیرلشگر ۲ زرهی هرصبحگاه درمراسم اعدام رقص مرگ قربانیان خود را بعنوان صبحانه لذیذ پذیرا می شد.

لحظه‌ئی بیندیشیم و ریشه عوامل ضدانقلاب را که در صف اول انقلاب جاگرفته اند ازبیخ وبن برکنیم وگرنه فردا خیلی دیرخواهد بود......!



بقیه سرمقاله

درکاراین دولت پرتکلیف کارشکنی میکنند یا سیاهدل کورباطنند ویاازعقل سلیم بهره ای ندارند.

نگاهی کوتاه به زندگی سراسر مبارزه بازرگان که مردتقوی وفضیلت نام دارد میرساند که اودرهرکاری جزبه اعتقاد، قدم نگذاشته وچون موحد ومعتقد ومتوکل بوده است، همه مرارت ها وسختی ها را با خوشروئی پشت سرگذاشته واکنون درکمال صداقت وصراحت، خدمت خود را به ملت عزیزش ارمغان میدارد.

کسانی که دستی ازدور براتش دارند، گاهی خورده میگیرند که چرا همه چیز بروفق مراد نیست؟ چرا زندگی ارام وایده الی دربرابرشان قرارندارد، چرا شبها صدای گلوله میشنوند وچرا...؟ وچرا...؟ اینان ازیاد برده اند که اگر گاه وبیگاه صدای گلوله ای، سکوت تهران را درهم میشکند. دیگر ناله مظلومی شکنجه دیده، ازدرون دخمه های زندان نام به بیرون نمیرسد واگر درکار متهمان به فساد وتباهی، ترک اولائی میشود، با انکه ما وهیچ انسانی با ان موافق نیست باید تحمل وبردباری کنیم تاکارها برمدار اساسی استوار شود ودیگر ازخطاهای قابل گذشت این چندهفته، تکراری درمیان نباشد. چه نظامی که اقلا ۲۵ سال تداوم ظلم را تضمین کرده بود دربیست و پنج روز، جای خود را به نظام عادله نمیسپارد. من اعتقاد دارم که کار تداوم زندگی روزمره مردمی که سالها مبارزه کرده، چهارماه جنگیده، غارت و نهب شده وقربانی ها داده است، دراین شرایط بصورتی که آغاز گردیده است به معجزه ای شباهت دارد که کار پیروزی انقلاب داشت. به سخنان دلنشین وبی تکلف بازرگان، گوش فرادهیم واین سردار شایسته نهضت ملی ایران را یاری دهیم، باشد که مشکلات راز پیش پای بردارد وراه زندگی اجتماعی را هموار سازد. سخن بازرگان چون ازدل برمیخیزد، بردل می نشیند، ومن به روشنی تاثیر نافذ این کلام را درجان ودل شنونده صدیق ایرانی مشاهده کرده ام.

راهی که بازرگان درپیش گرفته، اورا ازنظر خدمت وایراندوستی درشمار امیرکبیر ودرامر پیگیری انقلاب ملت ایران، ادامه دهنده راستین راه دکتر مصدق، پیشوای مسلم ملت ایران قرار داده است.

برای درک موقعیت بازرگان وهمکارانش تنها وآخرین راه شنیدن بیشتر سخنان اوست وآنانکه عرق ملیت وروح ایمان دروجودشان تجلی یافته است باید اورا حمایت کنند وفرصت دهند تا به تمام معنی براموز کشور مسلط گردد، آنگاه اگرباز هم دردوران تسلطش نابسامانی مشاهده شد، زبان به شکوه وگلایه بازکنند. ما ضمن ابراز کمال ادب وخلوص بحضور حضرت نایب الامام خمینی، عاجزانه توقع داریم که درکار دولت منتخب خود به هیچیک ازاطرافیان اجازه مداخله نفرمایند.

برای بثمر رسیدن انقلابی که بحق وشایستگی، رعایت ورهبری آنرا داشته ودارند، اساسا گفتگو درباره بازرگان ومداخله درکار اورا بربسیاری از مدعیان ممنوع اعلام فرمایند، باشد که با تدبیر این رهبر شایسته، دولت ملی بازرگان برمشکلات فائق گردد.

احمدانواری

گزارش از یک جلسه شاهنشاهی

توطئه قتل کریم پورشیرازی در باشگاه افسران اصفهان تکوین یافت

و توطئه دیگری برای قتل کریم پور اصفهانی طرح کردند

«روزهای نیمه دوم سال ۱۳۳۲ با سنگینی بیشتر از حد معمول از گذرگاه زمان میگذشتند و نگارنده هم چون دیگر همگامان سیاسی که در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گوشه اختفا گرفته بودند هر روز در گوشه‌ای پنهان بودم رادیوی دولتی تهران نیز بعنوان دادستان جلاد کودتا سرلشگر ازموده خدمتگزاران نهضت ملی و یاران و ارادتمندان دکتر مصدق کبیر بزرگ پیشوای نهضت ملی ایران را پی در پی احضار میکرد و کسانی که این اشخاص را احتمالا پناه داده بودند بمجازات‌های سختی محکوم میداشت در میان احضار شدگان نام همکاران شهید من دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه نیز وجود داست در عصر یکی از روزها روزنامه‌های خود فروخته دولتی با عکس و تفصیلات خبر از دستگیری کریم پور شیرازی داشتند عکس و ا با ریش بلند در صفحات اول چاپ کرده بودند و آنچنان بساز دیکتاتوری کودتاگر خائنانه می رقصیدند که دل هر وطن پرستی غرق ماتم میشد جالب انکه دکتر فاطمی و کریم پور برای عدم شناسائی هر دو از یک شیوه استفاده کرده بودند و ان نتراشیدن ریش بود در حالیکه بنده با تراشیدن موی سر و سبیل تغییر شکل داده بودم.

هنوز چند روزی از انتشار خبر دستگیری کریم پور نگذشته بود که یکی از همکاران قدیمی رضا شاه که در شمار امنای دولت بود بمناسبت ارتباط شخصی که با بنده داشت وسیله برادرم عبدالکریم انواری (دکتر انواری نایب رئیس فعلی کانون وکلای ایران) پیام فرستاد که باید او را هر چه زودتر و برای امر لازمی ملاقات کنم من هم بلحاظ نگرانی فراوانی که داشتم فورا بدیدار ان مرد رفتم که. دراین یادداست فعلا بملاحظاتی از ذکر نام او خودداری میکنم ایشان پس از استعلام از وضع زندگی من در دوران اختفا با دلداری و دلجوئی که نباید این ماجرا مایه وحشت بیشتر من شود و انشاءاله مسائل حل میشود مطالبی را اظهار داشت که من بلحاظ کوششی که باید در تطبیق مطالب با اظهارات او بکار برم حتی المقدور از مداخله دادن نظرات



از راست بچپ: کریم پورشیرازی، ابوالفضل قاسمی، دکتر عبدالکریم انواری، احمد انواری ومهندس زیرک زاده

خود در گفتار او احتراز می‌جویم و امیدوارم خواننده عزیز من هم احتمال بعضی از تغییرات محتمل در جملات و یا تأثیراتیکه روحیه شخصی من حتما در نقل مطلب میگذارد از نظر دور ندارند:

******

«میدانید که مادر رکاب اعلیحضرت برای افتتاح سد گوهرنگ باصفهان رفته بودیم در یکی از شبها که پذیرائی پایان یافت و اعلیحضرت باطاق استراحت در باشگاه افسران اصفهان رفتند (البته برغم ایشان تشریف بردند) تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر در پشت میزی شروع بقرائت و رسیدگی گزارشات و تلگرافات مملکتی که از تهران رسیده بود پرداخت و پس از چند دقیقه کار ناگهان شادمانه از جای پرید و فریاد کشید مبارک است مبارک است و متن تلگرافی را قرائت کرد که سرلشگر مهدی قلی علوی مقدم رئیس شهربانی وقت به آقای نخست وزیر گزارش داده بود با کمال مسرت بعرض میرساند که کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش در حالیکه بلباس روحانیت ملبس و ریش فراوانی گذاشته بود دستگیر شد.

این تلگراف در همه حاضرین امنای دولت چه آنان که از تهران برای شرکت در مراسم باصفهان رفته بودند و چه انانیکه محلی بودند ایجاد هلهله و شادی کرد-بطوریکه تصور بیدار شدن شاه فراهم شد و گروهی سکوت را توصیه میکردند و گروهی آگاهی شاه را از این خبر مهم در همان لحظه لازم می شمردند بالاخره پس از رایزنی دریغشان امد که شاه را از این خبر بهجت اثر فردا آگاه کنند و بهتر دیدند که فورا سپهبد زاهدی شرفیاب شود و ماجرا را شبانه بعرض برساند پیشخدمت مخصوص را فرا خواندند و برای عرض مطلب مهمی تقاضا کردند که شاه نخست وزیر را بپذیرد شاه اماده شده بود و سپهبد زاهدی بطرف اطاقش میرفت که امنای حکومت باتفاق بانک بر اوردند که مایلند در عرض تبریک این پیروزی عظیم با نخست وزیر همصدا باشند سپهبدزاهدی باطاق رفت و از اینکه این پیروزی عظیم را چگونه بشاه تبریک گفته است خبری ندارم ولی اشتیاق همه حضار را درباره لزوم شرفیابی فوری و عرض تبریک از این توفیق که نشانه اقبال همایونی بود بعرض رسانید و چند دقیقه دیگر در حالیکه شب نزدیک به نیمه بود شاه بسالن باشگاه افسران بازگشت صدای کف زدن اقایان دقیقه ای چند مجال هرگونه گفتگوئی را نمیداد شادی و هلهله سقف سالن باشگاه را میلرزاند شاه سینه را جلو دادند و در برابر ملازمانیکه پروانه وار گرد شمع!! وجودشان حلقه زده بودند قرار گرفتند و اظهار نظرها آغاز شد هر یک بنحوی این پیروزی تاریخی را تبریک میگفتند یکی این موفقیت را نشانه تفضل خدا میخواند دیگری انرا نشانه سعد اقبال همایون جلوه میداد - دیگری آنرا دلیل بقای سلطنت و مذلت مخالفان و بالاخره پیشنهادات برای مجازات این مرد جانی - خائن آغاز شد:

قربان امر بفرمایند او را بدست مردم بسپارند تا مجازاتش کنند - فدای خاکپای همایونت شوم این مرد را چهارشقه کنید و هر شقه او را بدروازه‌ای بیاویزید - او نباید یکبار بمیرد» اوباید شکنجه ببیند تا دیگر کسان جرات توهین بمقدسات ملی!! ونوامیس!! سلطنتی نداشته باشند - اعلیحضرتا اجازه بفرمایند جنازه او را پس ازمرگ دروسط شهر درزیر آفتاب بگذارند تا طعمه مرغان هوا شود و... و.... و بالاخره یکی از آقایان ارائه طریق فرمودند باید این مرد را چند بار بسوزانند وخاکستر کثیفش را باقیانوس اطلس بریزند که آب دریای ایران آلوده نشود.

ذات اقدس!! پس از شنیدن این پیشنهادات افاده کلام فرمودند که اگر خودش بمیرد چطور است؟ او خودش خودش را میسوزاند- خودش می میرد شاه با این بیان قاطع که سرنوشت کریم پور را مشخص میکرد قصد مراجعت داشت که حضار ادامه دادند

قربان کریم پور شیرازی تنها نبود این شیراز نبود که کریم پور داشت اصفهان ودیگر نقاط ایران هم کریم پورها داشته اند که بنام سعادت ملت واستقلال مملکت وبقای تاج وتخت تقاضا میشود آنها نیز بسزای جنایت خود برسند در همین اصفهان ماهم کریم پور اصفهانی داریم سئوال فرمودند کریم پور اصفهانی کیست سپهبد زاهدی بعرض رساند احمدانواری مدیر پرخاش. بحث درباره نگارنده این سطور که بنابمشیت الهی هنوز هم زنده مانده ام ادامه می یابد وآقای حسام الدین دولت آبادی معاون نخست وزیر وآقای اکبر مسعود صارم الدوله که درآنروزها دخترش مورد مهر سپهبد زاهدی بود ومن دراین باره انشاء اله دریادداشت دیگری بحث خواهم کرد (۱) بشدت برلزوم نابودی کریم پور اصفهانی تأکید کردند. گوینده ادامه داد دراین هنگام شاه ازدیگر حضار سئوال فرمودند!! پرخاش هم شورش است؟ سرلشگر مظهری فرمانده لشگر با حرارت تعظیم وتائید کرد که بله قربان انواری ازکریم پور هم بدتر است؟ امیرنصرت - اسکندری استاندار وقت باخم کردن سرسکوت کرد وپاسخی نداد بالاخره اعلیحضرت ازاین بنده (مقصود شخص راوی خبراست) سئوال فرمودند!! فلانی راستی انواری هم کریم پوراست وآقای گوینده اضافه کرد بنده گفتم چه عرض کنم قربان!! وبالاخره اعلیحضرت فرمودند پرونده پرخاش را جمع آوری وتکمیل کرده بطهران بفرستند. مطالب دوست دلسوز من با مقداری دلالت وراهنمائی ودلداری پایان یافت.» درحالیکه ترس از بیم جان انهم از دست این خیوانات ادمی نما که سرنوشت مردم و خدمتگذارانشان را درکف گرفته بودند صد چندان شده بود با تشکر خداحافظی کردم وتوصیه شد که بمناسبت این تحریکات من باید باز هم به اختفای خود ادامه دهم تا اگر بشود ازشراین موج با گذشت زمان رهائی یابم که نحوه نجات خود را نیز درجای دیگر انشاء اله خواهم گفت من درآنروز دانستم که دوست وهمکارم کریم پورشیرازی باید خودش بمیرد وخودش خودش را آتش بزند همیشه دراین اندیشه بودم زندانی که حتی حق داشتن کبریتی درجیب ندارد چگونه میتواند خود را آتش بزند. و وسیله وبنزین خودسوزی ازکجا میاورد غافل ازاینکه دیکتاتورخون آشام ازهرگونه رذالت وجنایت روی گردان نیست درانوقت من حسب وظیفه انسانی با وسائلی که دردست داشتم مطالب را دردادرسی ارتش که درخیابان سوم اسفند بود وکریم پور را برای بازپرسی می بردند با پیام سربسته بکریم پور اطلاع دادم واین محرک ان مردبا شرف شد که درجریان بازپرسی خود را از طبقه دوم عمارت دادرسی ارتش بخیابان سوم اسفند پرتاب کند شاید بتواند از چنگال این جانیان نجات یابد که درآن روز بلافاصله وسیله ستاردلیری شوهر عمه سپهبد تیمور بختیار (که فوت شده) وشخصی بنام بهمن پور مامور کثیف پلیس ۲۸ مرداد که اکنون نمیدانم درکجاست دستگیر شد.

این مطلب بنام روشن شدن تاریخ واثبات اینکه شخص شاه با کلام خود دستور آتش سوزی ونحوه آنرا چند ساعت پس از دستگیری کریم پور اعلام داشته بود باطلاع ملت ایران میرسد بنده دیگر از نحوه اجرای این دستور که بعدا چگونه اجرا شد خبری ندارم جراید لعنتی اطلاعات وکیهان نوشتند که کریم پور قبلا ظرف بنزینی فراهم کرده بود وآنرا درزندان برسر خود ریخت وسپس با کبریت خود را آتش زد چندی پس ازان پدر وبرادر بیچاره اش بطهران امدند وبراهنمائی دوست عزیز آقای صادق سرفرازبه بنده معرفی وبسیار کوشش کردم که قبر اورا پیدا کنم با وجودیکه هفته ها درمسگر آباد کنجکاوی کردیم نتیجه ای نداد وفقط اظهار شد که درمسگر آباد دفن شده است ازاینکه برای تحویل مختصر دارائی او بپدر داغدیده اش چه رذالتها کردند میگذریم.

ازکسانیکه دران مجلس حضور داشته اند شخص آقای حسام الدین دولت آبادی ازکسانی است که اکنون درقید حیات وگویا درایرانند اگر هرگونه توضیحی دراین باره داشته باشند درپرخاش چاپ خواهیم کرد چون بنده ازحق شخصی خودم که سوء قصد اشکارایشان را برعلیه جانم بجرم وطن پرستی میرساند گذشته ام میتوانند بدون خوف دفاع وتوضیح خود را ارسال دارند البته کسان دیگری هم دراصفهان وتهران درجلسه بوده اند که حیات دارند درصورت لزوم چه درمحاکم خلقی بنام اعلام یک وظیفه انسانی درتعقیب جنایتکاران وچه درتوضیح مطلب میشود از اطلاعاتشان جهت روشن شدن تاریخ استفاده کرد.

من شهیدان راه آزادی ایران رازنده وجاوید میشناسم وبرایشان درود میفرستم وامیدوارم بایاری مردم میهن پرست درگورستان سابق مسگرآباد که اکنون پارک شده است سمبل ونشانه ای بیاد بوداین شهید شجاع مطبوعات ایران برپا کنیم.

اندر قضایای باروری ابرها و انرژی زباله و خورشید:

«نان برای تو، چاه خشک برای من»

استعمار و عمران هر دو در لغت از یک ریشه‌اند. استعمار، منابع طبیعی و ثروتها و نیروی کار کشور را بمزدوری بیگانه در اورد و طرح عمرانی اب به اسیاب یغما گران داخلی ریخت. سهم عمده‌ای از در آمد کلان نفت در سالهای سیاه اختناق در قالب طرحهای عمرانی بدستیاری تکنو کراتهای سازمان برنامه و بودجه در کانال هائی جاری شد که به اب انبار سرمایه داری وابسته و همدستان آنها در شبکه های اداری میریخت. گونه‌ای از این طرحها که قضیه چاه میرزا اغاسی را تداعی میکند طرح تامین انرژی از خورشید است. شاه سابق نیز از این مقدمه زیاد دم میزد. سوخت فسیلی مایعی منابع بیکران نفت با اهنگ وحشتناکی استخراج می شد و به قیمتی ارزان ذخیره دنیای غرب و ماشین جنگی اسرائیل و دستگاه سیاه کشی افریقای جنوبی را توان و نیرو میداد و شاه به قصد تحمیق توده ها از چشمه فیاض خورشید و مهار کردن انرژی سیال و جادوئی ان سخنها می گفت. سازمان برنامه در هر سال بودجه‌ای معادل ۳۰ میلیون تومان از محل اعتبارات عمرانی در اختیار موسسه‌ای نمایشی بنام مرکز پژوهشهای خواص و کاربرد مواد و نیرو که بخلاف اصول قانونی با فرمان شاه تاسیس یافته بود قرار میداد و این مرکز که حدود ۱۵ میلیون تومان نیز از اعتبارات جلری مملکت تغذیه میکرد، تنها کاری که تاکنون انجام داده است اغلب چند دستگاه کلکتور آفتابی در حیاط منزل علینقی عالیخانی و صفی اصفیاء برای گرم کردن استخر منازل آنها بوده است. در مورد رئیس این مرکز: دکتر سیاوش وجدانی و ارتباطش با ساواک، همدوره ایهای تحصیلی وی در انگلستان مطالبی میگویند. استخدام کارشناسان خارجی در مرکز پژوهشها نیز جای بحث و گفتگو دارد. سفارش خرید های غیر ضروری آنها از انگلستان و تردد مکرر بعضی انها از جمله شخصی بنام دکتر وایت و همسرش لیندا بین ایران و شیخ نشین های خلیج فارس محل تامل و تعمق است. بطور کلی، موسسات پژوهشی اینچنانی که در سالهای اخیر همانند قارچ از زمین روئید، باید در ترمیم و بازسازی نظام اموزشی و پژوهشی کشور مورد بررسی قرار گیرد و فلسفه وجودی آنها ارزیابی شود.

در زمینه کنترل بودجه و تقلیل و صرفه جوئی هزینه ها، مسئله طرحهای عمرانی باید بطور جدی و بسیار دقیق مورد رسیدگی واقع شود. از زمره این طرحها می توان به طرح «باز سازی زباله برای انرژی» و «باروری ابرها» اشارت داد. شورای نویسندگان پرخاش اعزام هیأتهای رسیدگی و حسابرسی به کلیه ذیحسابهای وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی را به دولت انقلاب پیشنهاد میکند که از خلال اسناد هزینه انها می توان داستانهای تلخ و غمبار برای فرزندان این آب و خاک باز گفت.

پدری مهربان ...

بقیه از صفحه ۲

از خصوصیات خلقی پیشوا این بود که پیرو هرمذاکره مخصوصا با کسانیکه قلم بردست داشتند تاکید میکرد که حق طبع ونشر مطلبی را بنام او ندارند وهمیشه ترجیح میداد که مطالبی که بنام ایشان منتشر می شود قبلا ببینند وحتی الامکان با خط خود تحریر کرده باشد باین مناسبت مکررا درروزنامه ها نشر هرگونه خبری را که بخط ویا بتأیید خودشان نرسیده بود تکذیب میکرد درتلفیق نظرات کارگزاران مجرب دولت وسیاست وجوانان پرحرارت وخام با تاثیر کلام بی نظیر تبحری وافرداشت بازادی قلم واندیشه که درجان ودل و تمامی وجودش مقامی والا داشتند بتمام معنی عشق می ورزید دردوران حکومتش روزیکه افتخار حضور داشتم سه روزنامه را با

خنده هائی مخصوص که به شخص خودش اختصاص داشت ارائه داد یکی از آنها بسوی آینده بود که از طرف حزب توده منتشر میشد که پیشوا را طرفدار امریکا وورقه دیگری که گویا طرفدار کاشانی بود اورا طرفدار حزب توده وبالاخره سومی که از اوراق دست راستی زمان بود حکومت مصدق را طرفدار انگلیسها عنوان کرده بود پیشوا پرسید شما که بکار روزنامه ها وارد هستید بالاخره فهمیدید که حکومت من طرفدار کدام دولت خارجی است؟

روحش شاد ویادش بخیر باد که رهنمودهایش همیشه برای مردم کشور ما نجات بخش و گرامی است.

احمد انواری

آرزوی تحقق یافته

... چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم و بلکه یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد شد و مردان بیدار این کشوراین مبارزه ملی را آنقدر دنبال میکنند تابه نتیجه برسد.

اگر قرار باشد درخانه خودآزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان برمامسلط باشند ورشته‌ای برگردن مابگذارند و مارا به هرسوی که میخواهند بکشند مرگ برچنین زندگی ترجیح دارد و مسلم است که ملت ایران با آن سوابق درخشان تاریخی و خدماتی که بفرهنگ و تمدن جهان کرده است هرگز زیرباراین ننگ نمیرود.

امروز مبارزه بزرگی را ملت ماشروع کرده است که هیچکس از ابهت آن غافل نیست. البته دراین گونه جنبشهای اجتماعی باید در مقابل هرگونه محرومیت ایستادگی کرد و دربرابر آن آماده بود. هیچ مبارزه‌ای هرقدرکوچک و ناچیز باشد باسانی به نتیجه نمیرسد.

تارنج نبریم گنج میسر نمیشود. دراین راه نیز سعی ناکرده بجائی نتوان رسید.

((دکتر مصدق))

انتشار پرخاش

روزنامه مبارز «پرخاش» که در زمان دولت دکتر مصدق از رهروان خط مقدم انقلاب ملی شدن نفت ایران بود، روز ۲۹ اسفند درسالگرد ملی شدن نفت، پس از ۲۵ سال توقیف انتشار خواهد یافت.

«پرخاش» درتاریخچه مبارزات سه ساله نفت از ۲۹ تا ۳۲ نقش ملی خود را درکنار جرائدی چون باختر امروز وشورش بخوبی ایفا کرد وپیوسته مطلوب آزادیخواهان بود.

انتشار مجدد «پرخاش» را به احمد انواری همکار خود تبریک میگوئیم.

کیهان یکشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۷

سند افتخار ما

سندیکه در زیر ملاحظه میفرمائید دستخط حیوان انسان نمائی بنام منصور روحانی است که مدیر این روزنامه را که در بیمارستان بستری بوده است بدادگاه میکشاند و هنگامیکه از بیمارستان باو نوشته شده است بفکر فردای خود باشد که وزیر نیست چنین افاده کلام فرموده اند که اکنون مطالعه میکنید.

رونوشت برای استحضار جناب آقای [illegible] روحانی وزیر محترم آب وبرق تقدیم و در نهایت ادب و متانت اشاره میکند که قدرت [illegible] و مدیریت سالم در هدایت و بهره برداری از قوای مستعد و شایسته هر تشکیلات است نه [illegible] و تظاهر بقدرت صوری و دنباله روی از کسانیکه دوستی (مقام) را بانحصار خود کشیده اند بالاخره بیماری [illegible] و وزارت شما [illegible] [illegible] ولی [illegible] اعمال [illegible] است!

[illegible] شما [illegible] ندارم ولی فکر فردائی باشید که دیگر وزیر نیستید.

بیمارستان [illegible] پهلوی [illegible]

شماره ۱۳۳۶۱ — ۴۲/۸/۲۱

[illegible]

طرفداران پیشوا از قلب توده‌ها



حسن شمشیری

دانادل و روشن ضمیر انسانی که به ملت و رهبرش مصدق کبیر تا آخرین لحظه حیات عشق ورزید و دشمنان خلق حتی تحمل برگزاری مراسم ختم و سوگش را نداشتند باوجودیکه پیشوائنها در مرگ این مرد اعلام ماتم کرده بود او اضافه بر ساختن بخشی بزرگ در بیمارستان نجمیه ثلث مایملک خود را که حداکثر اختیار قانونی او بود برای کار خیر به پیشوای ملت ایران واگذار کرد، روانش شاد باد ویادش بخیر



جهان پهلوان تختی

با حسین شاه حسینی گاه و بیگاه بجرگه پرخاشجویان سری میزد. آرام و پرخروش بود. خاطره شنیدنی از این جهان پهلوان آنکه جلاد زمان و ضحاک دوران وسردسته غارتگران برایش پیغام فرستاده بود که «شنیده‌ام به جبهه ملی رفته‌اید» و جهان پهلوان پاسخ فرستاده بود که من می پنداشتم شماهم ملی هستید. روانش شاد باد

مصدق چگونه سقوط کرد

شاه شاهان ـ مصدق ساه شاهان را از صحنه سیاست کنار گذاست و در واقع سروع به کندن دم شر انگلیس کرد

کارل تالریونایتدپرس ۱۳۳۰/۵/۳۱

حل مسئله نفت ـ ، دکتر مصدق را از کار میانداریم و بعد با جانشینی او مسئله نفت را حل می کنیم

وینستون چرچیل

ـ انگلستان هنگامی مسئله نفت را حل سده میداند که دکتر مصدق ساقط شود

کارل تالر یونایتدپرس ۱۳۳۰/۵/۳۱

فواحش و پول سیا. روز ۲۸ مرداد فواحش جنوب شهر تهران و شعبان جعفری مشهور به شعبان بی‌مخ به خیابانهای شهر ریختند و به مدد پولهای سیا علیه مصدق کودتا نمودند و شاه را به کشور برگرداندند

جرد هالیدی نویسنده انگلیسی در مصاحبه با ای ـ تی ـ دی

و یک خواب خوش

خبر سقوط دکتر مصدق ازاریکه قدرت زمانی بمن رسید که با همسر و سرم در کشتی در میان جزایر یونان در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم. پس از مدتها آن شب خواب بسیار خوشی کردم.

آنتونی ایدن نخست وزیر انگلیس در زمان دکتر مصدق

و بالاخره نیکنامی از دست رفته. هنگامیکه مصدق در ایران به اصلاحات اساسی دست زد ما بوحشت افتادیم. ما با انگلیسها همدست شدیم تا او را از میان برداریم. در این راه توفیق یافتیم ولی از آن روز دیگر در خاورمیانه از ما به نیکنامی یاد نشده است.

ویلیام دوگلاس قاضی دیوانعالی امریکا

چندماه پس از کودتای ۲۸ مرداد سروده شده است

پایان روز رقص!

حبیب‌الله ذوالقدر
«تابناک»

بود، ای کاش، به آغوش توام دسترسی
تادل، ازورطه‌ی تشویش رهانم، نفسی
کس و،درمان ده این ملت درمانده، توئی
درزمانی که کسی نیست درایران، به کسی !
تا، رهاننده زغرقاب توئی، میهن را
ننگ باشد که زندچنگ به دامان خسی!

آب خوش، در گلوی ما، خفقان ساخته تلخ
بدتراززهر، زخودکامگی «سگ مگسی»ی!
پای اندیشه، کشد رنج هزاران زنجیر
رشته‌ی کارچوافتد به کف بلهوسی
خبراست ازخطردزد، نه امنیت راه
برنیاید اگر از قافله بانگ جرسی!
نه عقب گردکند قافله‌ی ما، نه درنگ
رهروان راست، بهر مرحله‌ای پیش و پسی
شب بدمستی «اسکندر» و «تائیس» گذشت
روز رقص دگران هم، نکند بود، بسی!!

شاه خواهد که کند نورمصدق خاموش
گو،: دراین آرزوی خام، به مقصد نرسی!
یوسف مصر عزیز وطن، ای خضر نجات!
جزنجات توندارم زخداملتمسی
بس کنم باسخن حافظ شیراز که گفت:
«حیف باشد چوتومرغی که اسیر قفسی!»
باری، ای کعبه‌ی غارت زده از ابرهگان
بود ای کاش به پابوس توام دسترسی!

شرکت سابق و روزنامه های محافظه کار

بقیه از صفحه اول

میبردند و دربار را محری اراده و تعالیم خود میدانستند فرا گرفت و بیشتر از همه روزنامه های محافظه کار برای «فراری بغداد» گریه و ناله سردادند و نوشتند آخرین حربه ایرا که ممکن بود با کمپانی سابق قرار و مدار سازش بگذارد ار دست ما بیرون رفت و فرار او قدرت و قوت بیشتری بملت ایران داد تا شانه های خودش را بهر قیمتی که هست از نفوذ خارجی رهائی دهد.

لندن که یکصدوپنجاه سال است درشرق تاج میدهد و تاج میستاند، سلسله منقرض میکند، دودمان پادشاهی میسازد، خرابه نشین را بکاخ سلطنتی میکشاند و دوستان ملت ها را بخاک سیاه می نشاند، چند سال است از قیام مردم ما سخت رنج میبردونه تنها جزیره آبادان و خاک زرخیز خوزستان و نفوذ درتمام کشور پهناور ایران را از دست داده بلکه رستاخیز ملی ما سرچشمه و منشاء قیامهائی شده که تمام شرق میانه و افریقا را زیر نفوذ معجز آسای خویش گرفته و قدرت خدایان نفت را آنچنان درهم شکسته که تاریخ امپراطوری «ملکه الیزابت» یک چنین حادثه عجیب و حیرت بخشی را تا بامروز هرگز بیاد ندارد.

انگلیسها هنوز خیال میکردند از دربار بی شرم، ار دربار منفور، از دربار دشمن ملت و از یک قانون پلیدی و انفراض کاری ساخته است و «فراری بغداد» برای آخرین نفس نخواهد توانست جنبش مردم قهرمان ما را درجلوی پای لردان غارتگر قربانی کند و مزد این خیانت عظیم بمنافع و استقلال و آزادی مردم خویش را یکبار دیگر از ایشان بستاند.

اما از کابینه حکیم الملک که مسافرت شاه بلندن فراهم آمد و او توانست پس از فراریدر و پیش آمد جنگ دوم جهانی ازنو با کعبه آمال دربار تجدید عهد کامل کند و درطی همین مسافرت بود که طرح قراردادالحاقی ریخته شد و موجبات فشار و تهدید بملت ازنوفراهم امد و نقشه «بوین ازدنیا رفته» برای تغییر قانون اساسی و افزایش اختیارات شاه مورد بحث و مذاکره قرار گرفت.

«کمدی» پانزده بهمن فقط از این نظر درست شد که زمینه برای تصویب قراردادالحاقی و ایجاد «موسسان» قلابی و حبس و تبعید احرارازادیخواهان و مخالفین انگلیس کاملا حاصر و مهیا گردد.

تکسیکه برای درهم شکستن قدرت ملت چندین اصل ار قانون اساسی را بوسیله موسسان «نصرالملک» و با آراء باروئی سپورهای شهرداری تهران وولایات تغییر داد و اختیار انحلال مجلس را در هرلحظه و هروقت که بخواهد منحصر باراده لرزان متغیر خود ساخت و فشار اجنبی را به مملکت صاف و هموار کرد و لیست انتخابات هردوره تقنینه را با نظر وابسته های کوچک و گمنام سفارت انگلیس فراهم میاورد و امروز درنظر تایمز «براثر تعلیم و تربیت غربی خود یکی ار پشتیبانهای پرحرارت رژیم پارلمانیست.

برای انگلیسها رژیم پارلمانی یعنی رژیمی که یک لیست صدوبیست سی نفری را کلنل «ویلر» و دکتر اقبال بنشینند و بتصویب شاه برسانند و بوسیله پادگانهای نظامی صورت مجلس انتخابات آنها را تهیه و بمنظور تصویب قراردادالحاقی یا عهدنامه اسارت نظیر آن پیمان بوکلای فرمایشی عرضه نمایند.

آن رژیم پارلمانی که «تایمز» فراری بغداد را هواخواه آن میشناسد **عبارت از ان چنان رژیمی است که چند اصل از قانون اساسی حقوق ملت را اراده هوسباز درباریان لگدکوب و درروزهائی که سیل اعتراض و طوفان نفرت از این اعمال زشت و قبیح برمیخیزد همین «تایمز» مینویسد که فقط صدوهشتاد نفربرای اعتراض بانتخابات به پیشوائی دکتر مصدق بدربار رفتند.**

درروزهائی که انتخابات دوره پانزدهم انجام میشد و تهران یکبار دیگر بوضع انتخابات دوره سردار سپه افتاده بود این «پشتیبان پرحرارت رژیم پارلمانی» همه آن خطاکاریها را با فرستادن چند وکیل شخصی نادیده گرفت و هنگامی که ساعد و اقبال و هژیرکمپانی انتخابات دوره شانزدهم را بوجود آورده بودند و لیست «سفارت» درشهرستانها توفیق کامل پیدا کرد درآن دوسه روزیکه ما متحصن شده بودیم فقط جوابی که «پشتیبان پرحرارت رژیم پارلمانی» بدکتر مصدق داد این بود که اعتراضی اگر هست درموعد مقرر بانجمن هابدهند.

مردم قهرمان تهران که از نزدیک جنایات دربار را بچشم خود میدیدند و مداخلات علنی شاه و اشرف و ملکه مادرهردقیقه چون خاردرچشم آنها فرو میرفت بپا خاستند و تصمیم گرفتند که نگذارند بحقوق آنها تجاوز شود و با همه صندوق سازیها و رسوائیهای عوامل درباری بالاخره موفق شدند هفت نفری را که هواخواه «دکتر مصدق» شناخته شده بودند به بهارستان روانه نمایند.

شاه که از حامیان جدی وسرسخت قرارداد الحاقی بود وجلسات کابینه درآنوقت در حضور خودش تشکیل میشد ساعد ووزرای بی اراده اش را بتقدیم لایحه الحاقی ماموریت دادومیخواست وعده ایراکه در سفر «لندن» بارباباان خود داده است هرچه زودتر وفا کند و چون تصویب ان باخر دوره پانزدهم نرسید اطمینان داشت که در دوره شانزدهم خواهد توانست با دردست داشتن اختیار انحلال مجلس کار را یکسره کند.

سنای اشرافی مرکب از اکثریت سرسپردگان سفارت انگلیس را هم برای تحدید حقوق ملت در قلب بهارستان بوجود آورد وعده ای از منفورترین وکثیفترین پادوهای چهل پنجاه ساله سفارت را تانجا فرستاد وبجای دکتر مصدق که وکیل اول انتخابات سنابود ابراهم خواجه نوری را که مورد حمایت وسفارش «الله آقا» ونفر هفتادوسوم قرارداشت سنا فرستاد ومجلس مشورتی «فراماسیونها» باین صورت بملت محروم ایران تحمیل گردید.

شاه با همه تلاش وکوششی که بکار میبرد ویکایک وکلا را برای تطویب قرارداد الحاقی بکاخ احضار میکرد در برابر اراده ملت مقهور شد وجبهه دکتر مصدق ابتدا توانست قرارداد الحاقی را در کمیسیون ردکند وبعد پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را از مجلس بگذراند.

همان روزی که دکتر مصدق ار مجلس رای تمایل گرفته بود تقی زاده وحکیم ـ الملک ورجال دیگری که ار استین سفارت درامده بودند بلافاصله شاه را ملاقات وباوگفته بودند فرمان نخست وزیری دکتر مصدق را امضاء نکن. گمان میکنم غروب شنبه پنجم اردی بهشت ۱۳۳۰ بود که من شاه را ملاقات کردم وقتی ار دراطاق واردشدم رو بمن کرد وگفت: پیشوایتان هم که آمد، با ان نطق کذائی برضد مؤسسان ار من فرمان نخست وزیری میخواهد؟ گفتم، حوادث بیشمار سبب شده که دکتر مصدق امروز زمامدار بشود، بدکتر مصدق نمیشود فرمان نخست وزیری نداد زیرا معمولا در جاهای دیگر رئیس الوزرا باید مورد اعتماد ملت باشد و همین شرط اساسی واصلی کار اوست و چون دکتر مصدق مورد اعتماد مردم ایرانست خیلی بنفع اعلیحضرت نخواهد بود که حرفهای مغرضین ومخالفین را بشنوید.

گفت: با مؤسسان چه خواهد کرد؟ گفتم این موضوع فعلا مورد بحث نیست. صحبتهای اواینطور نشان میداد که از قدم اول سرسازگاری با ملت را ندارد وفقط کسی را میخواهد که مطیع صرف وغلام حلقه بگوش اراده اجرائی سفارت یعنی «دربار» باشد.

حوادث بعدی نشان داد که او مردمیدان همراهی با ملت نیست وهروقت بتواند خنجر را بقلب هموطنان خود فرو میبرد.

مگر مسئول حقیقی کشتار سی ام تیر وروی کاراوردن حکومت منفورچهارروزه قوام غیراز او دیگری میتواند باشد؟

سفارت از او خواست و «فراری بغداد» نیز که هرروز وهردقیقه عظمت امپراطوری را بگوشش میخواندند خیال میکرد تخلف از دستور سفارت برای بشر ذیروح امکان پذیرنیست. اگر یک روز اوراق واسناد وپولهائی که درراه کشتن نهضت مردم ما از طرف «دربار» پخش شده کاملا کشف شود آنوقت خواهید فهمید که فحشهای روزنامه ها واعلامیه های اقلیت ومخالفتهای این وآن از چه «منبع موثق» آب میخورده است.

اکنون مطبوعات انگلیسی و«سرویلیام فریزر» در بریتانیک هاوس » در عزا وماتم فرورفته اند زیرا کاخی را که سی ودوسال پیش «آیرنسید» خشت اول آنرا بناگذاشت پریروز در برابر قوای ملت تسخیر شد و بزرگترین پایگاه انگلیس درایران درهم فروریخت.

«پشتیبان پرحرارت رژیم پارلمانی» تایمز اکنون درآنسوی مرزهای ایران درانتظار سرنوشت«محمدعلی میرزا» است اگر روزی درگوشه غربت فرصت فکر کردن پیدا کند ممکن است وجدان خفته اش بیدار شود وباواندکی مجال مرور در حوادث گذشته را بدهد بدبخترین وننگین ترین مردم انکسی است که راه خدمت بوطن را از دست نگذارد وطریق خیانت علنی واشکار را اختیار کند.

«فراری بغداد» نوکری وبردگی انگلیس را بر پادشاهی ملت خود ترجیح داد. سعدی چه خوب مکنون ضمیر مرا دراین شعر آورده است:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود

سال مصدق و روح خدا

روزیکه سال مرگ مصدق فرا رسید
روز سقوط و مرگ محمد رضا رسید
از سال روز مرگ مصدق سخن نگوی
کامروز روز زندگی پیشوا رسید
شلاق انتقاد شد و مشت انتقام
هر ضربه‌ای که برسر هر بینوا رسید
بهر نجات مردم محروم و مستمند
لطف خدا بصورت «روح خدا» رسید
جز غارت و ستمگری و دشمنی نبود
از سوی شاه آنچه بخلق گدا رسید
در خنده ام که دشمن حق تا کجا گریخت
در حیرتم که حامی حق از کجا رسید
پرسی چه رفت برسر ضحاک ماردوش
بر او همان رسید که برشاه ما رسید

ن ـ ص

مربوط به ماجرای کریمپور در صفحه «۴»



صارم الدوله، عاقد قرارداد ننگین تقسیم ایران ودخترش که معشوقه زاهدی بود وبه همین علت دفتر نخست وزیر کودتادرقیطریه کاخ صارم الدوله دایر کرده بودند.

باپاسداری از انقلاب ایران مبارزات ضد استعماری را به ثمر برسانیم

از: مهندس کاظم حسیبی

بقیه از صفحه «۱»

استعمار و خدمت به خلق سپری شده است. حسیبی که در سمت مشاور مخصوص نفتی پیشوا خدمات بزرگی را برای ملی شدن نفت ایران انجام داد تقاضای روزنامه پرخاش را اجابت نموده و نوشته کوتاهی را بمناسبت روز ملی شدن نفت برای خوانندگان ما برشته تحریر کشیده است با تشکر بی پایان از ایشان بنظر خوانندگان میرسد.

«باپاسداری از انقلاب ایران مبارزات ضد استعماری را به ثمر برسانیم» از «مهندس کاظم حسیبی»

تلاش پر ثمر ملت ایران برای ملی کردن منافع نفتی در سرتاسر کشور برهبری دکتر محمد مصدق در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به نتیجه رسید.

استعمار که برای اولین مرتبه در صحنه خاورمیانه و افریقا با خطری جدی روبرو شده بود برای حفظ مواضع خود با چنگ و دندان می جنگید. از یکطرف عمال داخلی یعنی ایرانی نماهای بیوطن هر روز ایجاد آشوب و بلوا و تحریک میکردند که دولت دکتر مصدق نتواند از شرکت سابق نفت خلع ید کند و از طرف دیگر با توسل بانواع وسائل سعی داشتند ایران در مضیقه مالی قرار گیرد. کشتی های حامل نفت ملی ایران را در بنادر دنیا توقیف می کردند و اجازه نمیدادند خریداری برای نفت پیدا شود. دولت و ملت در مضیقه مالی شدیدی قرار داشتند و دولت هاي انگلیس و امریکا هر روز دستشان از استین کمپانیها و سازمانهائی در میامد و پیشنهاداتی برای حل قضیه میدادند. هدف از اکثر این پیشنهادات از بین بردن اصل ملی شدن نفت بود ولی دکتر مصدق و یارانش به هیچ وجه من ـ الوجوه حاضر نبودند سرسوزنی از موضع ملی شدن کامل نفت ایران عقب نشینی کنند. در این اوضاع و احوال پیشنهادی از طرف بانک بین المللی رسید که میتوانست مسئله فروش نفت و نتیجتا اوضاع نابسامان مالی مملکت را فیصله بخشد. طرح پیشنهادی بانک بین المللی مشکلات دولت را از نظرمالی حل میکرد ولی قبول این طرح با اصل ملی شدن منافات داشت. برای رفع مشکل پیشنهاد کردیم که در قرار دادهای مربوط به فروش و توزیع نفت: بانک بین المللی میبایستی به نمایندگی ایران عمل کند و در قرار دادهای مربوط جمله «بانک بین المللی بجای ایران» ذکر شود. گاردنر معاون بانک بین المللی در این مذاکرات اظهار میداشت ایران و انگلیستان هر دو سهامدار و شریک بانک بین المللی هستند. شما چگونه انتظار دارید با گنجاندن جمله «بجای ایران» عملی انجام شود که بانک بین المللی از نظر حقوقی ملی شدن نفت ایران را تایید کند و بضرر یکی از شرکای خود که انگلستان است عمل نماید گاردنر با این استدلال میخواست مارا دربن بست قرار دهد و ما هم ناچار بودیم بنحوی مسئله فروش نفت و مضیقه مالی دولت را حل کنیم ولی به هیچوجه حاضر نبودیم عملی انجام شود که سرسوزنی از اصل ملی شدن کامل نفت تخطی شود لذا در این مرحله از بحث اینجانب پیشنهاد کردم که جمله «بجای ایران» بطوریکه مورد نظر بوددر قرار داد گذاشته شود و یک ماده بهمین قرار داد اضافه شود باین شرح که «جمله بجای ایران برای رضایت ایران بصدور نفت در این قرار داد گنجانده شده و این امر دلیل بر آن نیست که بانک بین المللی اصل ملی شدن نفت را بنفع ایران و به ضرر انگلستان شناخته باشد» چون این پیشنهاد موجب میشد که هم مسئله حدود نفت حل شود و هم بهانه جوئی در استدلال بانک بین المللی مرتفع گردد بانک بین المللی بهمین سبب مذاکرات را قطع کرد ومعلوم شد که علی الاصول هدف پیشنهاد بانک بین المللی مخدوش کردن اصل ملی شدن نفت بوده و دست انگلیس بود که از آستین این سازمان بین المللی در امده بود.

بهرحال متاسفانه دیدیم که حیله گریها و اعمال زشت استعمار منجر به سقوط حکومت مصدق شد و بعد قراردادهائی را توسط رژیم دست نشانده خود در مورد نفت بایران تحمیل کردند که با روح ملی شدن نفت منافات داشت. اکنون که به فضل الهی انقلاب ملت ایران در مراحل اولیه موفقیت است امیدهای بسیار میتوان داشت که نفت ایران همانطور که خواست ملت بود و هست منطبق با روح قانون ملی شدن نفت کاملا ملی گردد و منافع ملت ما که با کودتای ننگین ۲۸ مرداد لگد کوب استعمار شده بود کاملا تأمین شود ولی نبایستی تجربه های تاریخ را از یادببریم که اختلاف سران نهضت ملی ایران در دوران مبارزات نفت منتهی به شکست مردم و پیروزی عمل ارتجاع گردید. امیدواریم در انقلاب فعلی که توفیقش بیشتر شبیه یک معجزه بود وحدت بین مردم حفظ گردد احتلاف نظرهای سیاسی وسیله ای برای بی ترتیبی و در هم ریختن پیروزی نشود. مردم که برهبری حضرت ایت اله خمینی انقلابی چنین شکوهمند و عظیم را به ثمر رساندند میبایستی چنان هوشمندی و آگاهی از خود نشان دهند که جای کمترین امیدی برای دشمنان خارجی و داخلی باقی نگذارند.

از کارگران سراسر کشور توقع دارم همانطور که تا این مرحله از جان و دل برای توفیق انقلاب مایه گذاشته اند انتظارات زودرس و توقعات بیجا را کنار بگذارند و چرخهای اقتصادی مملکت را براه بیاندازند والاهم خودشان ضرر می کنند و هم خدای ناکرده بانقلاب زیان خواهد رسید.

اصفهان شهر قهرمان

اصفهان، شهری در دل تاریخ که سرشار از حماسه مقاومت و مبارزه و خروش علیه نظامهای ستمگر زمان می باشد، در انقلاب شکوهمند و عظیم ایران نقشی سترک بردوش گرفت و تا پایان این بار را بر زمین ننهاد و هر روز بیش از روز پیش فریاد آزادیخواهی برداشت و با ایثار جان دسیسه های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و در جاده پیروزی به پیش راند.

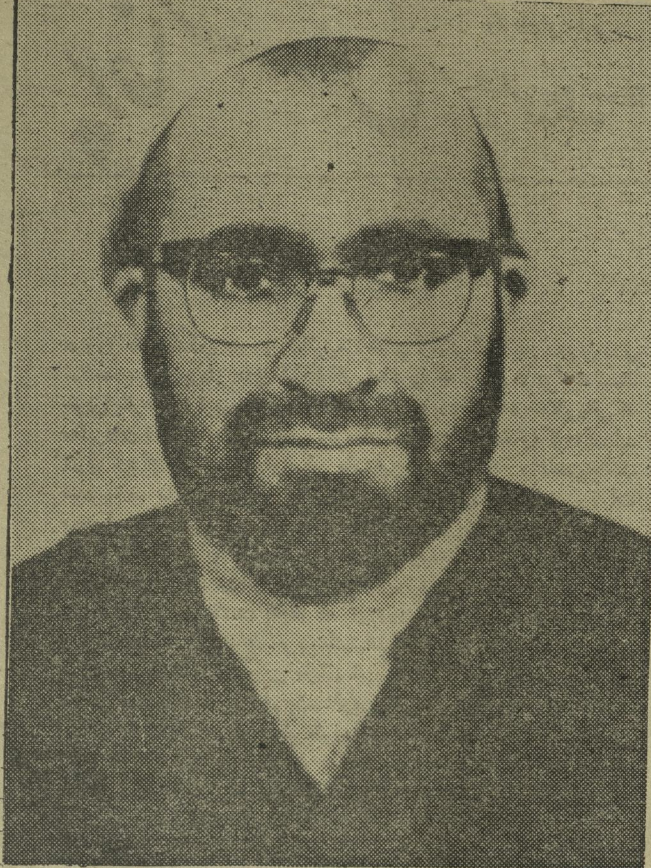
نجف آباد، شهر مظلومان بگلوله بسته بیش از هر جای دیگر جوانان خود را جلوی آتش مسلسل ها فرستاد. خون آشامانی چون ناجی و یاران مزدورش در یکسو و مردم سخت کوش و پرجوش در سوی دیگر بیش از چهار ماه در برابر صفی نابرابر آراستند: گلوله از نوکران شاه و فریاد و مشت از خلق قهرمان اصفهان. صدای چکاچاک بازوی لخت و سرنیزه در فضا طنین افکن بود.

این نخستین بار نبود که اصفهان بپا می‌خاست و مردانه می جنگید: در انتقام جوئی از محمود و اشرف افغان که غرامت بی لیاقتی شاه سلطان حسین را از مردم باز ستانده بودند و در همه پیکارهای دینی و میهنی، خلق اصفهان پیشگامان ملت بوده اند. اصفهان شهر هنر و صنعت که همواره با صدای پتک و چکش وسندان وزنجموره چرخ دنده ها بازشناخته شده است، اصفهان که طلیعه صبح و غروب آفتابش در هر روز شاهد گذر کارگران و زحمتکشان بر چهار باغ می باشد، اصفهان که مزرعه و کارگاه و کارخانه اش قصه گوی مبارزه و سرکوب است، افتخار دارد که در این پیکار جزئی از تلاش عظیم خلق های تحت ستم و درزنجیر ایران بوده است و باور دارد که در کار این نبرد سهمگین شخصیت روحانی بزرگ آیت الله خادمی الهام بخش مبارزه اش بوده است و تکیه گاه خروشش اعتقادی بود که به حضرت آیت الله منتظری داشتند و ازمظالم حکومت بر این روحانی عالیقدر فغان برآوردند.

پایداری و استقامت و سخت کوشی مبارزه با جوششی که از روح پر ایمان حضرت حجة الاسلام سید جلال طاهری الهام میگرفت، کار حکومت را زودتر برسوائی کشانید. مادربرابر شخصیت، این بزرگواران سر تعظیم فرود میاوریم و در شماره های بعد بتفصیل درباره جنبش شهرمان سخن خواهیم گفت.

سلام به فرهنگیان، مشعلداران مبارزه انقلابی اصفهان
درود به کارگران و پیشه وران که حماسه مقاومت را آفریدند
افتخار بر بازاریان، کارمندان، دانشجویان و قضات و سربازان و همافران و افسران انقلابی.
درود بر شهیدان گلگون کفن خطه اصفهان





آیات اله مجاهد خادمی ومنتظری پیشوایان انقلاب دراصفهان

چرا مدیران کل و مسئولان شاهنشاهی هنوز در اصفهان هستند

برخورد کارگران ذوب آهن با مدیر کل کار



داریوش فروهر دو هفته گذشته مورد استقبال گرم کارگران اصفهان قرار گرفت.

هفته گذشته ضمن بازدید آقای داریوش فروهر وزیر کار از ذوب آهن که مدیر کل کار هم بمحل آمده بود برخوردی میان کارگران و مدیر کل کار بوجود آمد که منتهی بمداخله و کداخدامنشی عقلای قوم گردید و مدیر کل کار را که در خطر جدی حمله کارگران قرار گرفته بود از معرکه بیرون بردند - آقای فروهر ضمن سخنرانی خود با بیانی بسیار مستدل باین موضوع اشاره کرد و گفت اگر امروز در کنار من ماموری را می بینید که برعلیه آن می غرید بان علت است که انقلاب جوشان و خروشان شما چنان معجزه آسا بوقوع پیوست که ما فرصت ترتیب کادر انقلابی نیافتیم بعبارت دیگر ما قبلا کادرانقلابی تربیت نکرده ایم و بعد دست بانقلاب بزنیم انقلاب را مردم بسامان بردند و رهبری از لحاظ نیروی انسانی در مضیقه قرار گرفت که این نقیصه با جوششی که تداوم انقلاب خواهد داشت برطرف میشود و کادر انقلابی از میان مردم برای تصدی مسئولیتها شناخته خواهد شد.

بیانات آقای فروهر با تحسین کارگران مواجه شد ولی مدیر کل کار هم بلافاصله بتهران فرا خوانده شد.

بروز این واقعه اخطاریست بسایر مدیران محلی دوره شاهنشاهی که بیهوده میزخود را چسبیده اند و گرفتاری تهران را وسیله سنگینی گوش خود قرار داده گوئی منتظرند که برای هریک واقعه‌ای از قبیل جریان ذوب آهن اتفاق بیفتد.

ماتردیدی نداریم که در بین آقایان افراد درست و صالحی هم یافت میشود و حتی یکی دو تن از آنان را بنام می شناسیم ولی این دلیل کافی برای ادامه کار آقایان نیست و بهتر است خودشان محترمانه با تقدیم استعفا امکان انتخاب مدیر مناسبی را تسهیل کنند و اگر حقا آدم شایسته و درستکاری بوده و سوابق آلودگی ندارند این امکان را فراهم سازند که وزارتخانه بتواند از وجودشان در جای دیگر استفاده کند.

●



حضرت حجة الاسلام طاهری که درروزهای سیاه حکومت جبار وآدم کشی های ناجی پلید بار مبارزه را بردوش داشتند

●●●

مسئولان سازمان های دولت انقلابی اصفهان

درحال حاضر آقایان زیر از طرف دولت موقت انقلاب اسلامی برای تصدی مسئولیتهای استان اصفهان انتخاب شده اند

آقای دکتر توسلی	رئیس دانشگاه
آقای دکتر واعظی	استاندار
آقای مهندس مصحف	معاون استانداری
آقای دکتر صلواتی	فرماندار
آقای مهندس علوی	شهردار
آقای نیلفروشان	مدیر کل آموزش وپرورش
آقای بهرام افشارزاده	مدیرکل تربیت بدنی

نماینده فراماسون مطلب را نوشت و ساواک تکثیر کرد

چندی پیش دراصفهان مقاله ای پلی کپی برعلیه پرخاش منتشر شد که درآن نسبت به نویسندگان اینروزنامه و پیشوای برگزیده ملت دشنامها داده و تهمت ها زده بودند هفته گذشته یکی از دونفر امضا کننده این ورقه بما مراجعه کرد و ضمن عذرخواهی با تسلیم نوشته ای اعلام کرد که مطلب مزبور را نماینده فراماسون دوران انقلاب سفید در رستاخیز درتهران تسلیم داشته و نزد شهیدی معاون ساواک اصفهان هدایتش کرده است و مطلب مزبور درساواک اصفهان تکثیر وبرای توزیع باو تحویل گردیده است ما برای اطلاع کسانیکه از منشاء این تحریکات آگاهی ندارند این چند سطر را در اینجا آوردیم تا به ماهیت مخالفان پرخاش پی برده و ندانسته آلت دست این قبیل افراد نگردند.

مگس های هرزه لاشه عفن ساواک و فراماسونری

هنوز کارانتشار پرخاش سامان نگرفته است که ما شاهد وز وز مگسهای هرزه ای هستیم که از لاشه ساواک و فراماسونری تغذیه کرده و میکنند و چنان می پندارند که میتوانند با تحریکات کودکانه و هرزه درائی های احمقانه خود ما را مرعوب و یا از راه خویش منحرف سازند آنها نمیخواهند بیاد بیاورند گروهی که در برابر بزرگترین دست نشانده امپراطوری انگلیس در اصفهان صارم الدوله که نیروهای مسلحی هم در اختیار داشت نهراسیدند از این نغمه های نابهنجار این تفاله های باقیمانده بساط مغرض سنگرخالی نخواهند کرد و تحریک چند جوان کم تجربه ما را از ادامه راهیکه سالیان دراز در راهش خون خورده و عمر باخته ایم باز نخواهند داشت در این میان نکته جالب انست که بعضی از ماموران محلی نیز ندانسته باین وز وز ها توجه میکنند و به آن دامن میزنند بنابراین لازم دانستیم یکبار وضع خودرا در برابر این تحریکات روشن کنیم - ما کوشش خواهیم کرد که با صبوری از تخصیص اوراق پرخاش بمسائل جزئی و کودکانه جدا احتراز کنیم و با این دلشکستگان حقیر نظام فاسد که سنگر پارلمان را از یکسو و امکان غارت مردم محروم را از سوی دیگر از دست داده اند برخوردی نداشته باشیم. ولی مطلب جالب انست که بعضی ماموران محلی که با اینان محشورند ندانسته آلت اغراضشان قرار میگیرند و ناشیانه مطالبی از آن دست که قبلا هم ساواک برعلیه ما منتشر میکرد بر زبان میرانند ما قطعا و هرگز نمیخواهیم خود را بمسائل مغرضانه و آلوده محلی درگیر کنیم و بنابراین کوشش کنیم خبر چینی های آن کسانی که بازار اشفته میخواهند در کار ماوراء ما اثری نداشته باشد ما بنام مصلحت شهر و مردم قهرمان آن ولزوم استقرار حکومت موقت اسلامی تا بشود بمسائل گذشته مسئولان فعلی شهر نخواهیم پرداخت و از اینکه فلان مسئول شهری امور مالی رئیس ناپاک حزب رستاخیز را متکفل بوده است یا فلان مهندس پیمانکار بهمان سازمان انتظامی بوده و یا مصادر شهری با یکدیگر قرابت دارند بنام حفظ وحدت مردم سخنی نخواهیم گفت و از آنان نیز توقع داریم متوجه مسئولیتهای خطیر خود باشند چه اگر آنان از سنگریکه بنام مردم اشغال کرده اند بروی مبارزان ملی آتش تهمت بزنند باید متوجه باشند که کلوخ انداز را پاداش سنگ است و در این ایام همه مردم چنان وظائف سنگینی دربرابر دارند که فرصت آلت دست شدن برای تسویه حسابهای شخصی باقی نمی ماند

آن سفر کرده که...



امروز در حالی انتشار سومین دوره روزنامه پرخاش را آغاز می کنیم که نه تنها موسس این روزنامه دکتر حسن انواری در میان ما نیست بلکه بنا به خبر واصله در کلینیک قلب بیمارستان کلیولند در زیر عمل جراحی قلب قرار دارد.

دکتر انواری پرخاش را بنیاد نهاد و در صف پرخاش جویان صدمات فراوان دید. یکبار نیز مورد سوء قصد قرار گرفت و تا پای هلاکت رفت که انشاء الله شرح آنرا در قصه پر غصه و غرور پرخاش خواهیم گفت ولی دریغمان آمد در هنگامیکه از شوق امکان مجدد خدمت قلبی مالامال از شوق داریم از این خدمتگزار راستین که با عنوان طبیب و استاد دانشگاه به جامعه ما خدمت های فراوان کرده است یادی نکرده باشیم.

سلامتش را صادقانه آرزو میکنیم و چشم به راه دیدارش هستیم.

پورسعادت سرجنگلدار اصفهان چرا بی دردسر بگرگان رفت تا دنباله جنایات خود را درآنجا ادامه دهد

آیت الله خادمی توصیه شیخ بهائی را نکرده اند

درتهران شایع شده بود که حضرت ایت اله خادمی مرجع عالیقدر توصیه رضا شیخ بهائی معاون سابق شهرداری پایتخت را به دادستان کل دادگاه انقلاب کرده است.

این خبر درمیان بازار و اصناف تهران که هنوز چوب و فلک ها و تلکه کردنهای شیخ بهائی دستیار نیک پی راهزن را بخاطر دارند و عملیات او را درزمینه تفتیش عقاید و همکاری با ساواک از یاد نبرده اند، به سرعت دهن بدهن گشت و ایجاد تشنج نمود. خبرنگار ما اطلاع میدهد که یکی از نزدیکان حضرت آیت اله خادمی این شایعه را قویا تکذیب نموده و آنرا کار عوامل ضدانقلاب دانسته اند.

برای اطلاع

درمدرسه عالی کورش کبیر سابق (دکتر محمد مصدق) هیچگونه سمت اجرائی ندارم ولی از نظر وظیفه ای که درخدمت باین موسسه آموزشی دارم همیشه درحد مقدور برای خدمت بان موسسه آماده خواهم بود.

احمد انواری

به جرم آنکه هواخواه ملت و وطنم
همیشه دربدر و همدم غم و محنم
بیا که‌تا من و تو دادخواه خلق شویم
که‌سخت دشمن بیداد و خصم اهرمنم. کریم‌پور

پرخاش

دارنده و مدیر: احمد انوار

نشانی: پیچ شمیران - کورش کبیر کوچه شقایق - پلاک ۲
تلفن ۷۶۳۱۶۴

دریغا - دریغ از امیر انتظام - نقش رادیو تلویزیون چیست

درمیان همکاران جدید اقای مهندس بازرگان کسیکه تاکنون از همه معقول تر و منطقی با مسائل روبرو میشد آقای امیر انتظام بود که هر شنونده ای از تلقی ایشان با مسائل اظهار خشنودی میکرد ایشان برخلاف بعضی از همکاران که گویا دولتی دردولت شده و یا خود را مجزا از دستگاه دولت انقلاب اسلامی میدانند و هرروز دشمن تراشی و طومار سازی میکنند درمصاحبه ها شیوه ای را ارائه میدادند که شایسته معاونت شخص مهندس بازرگان بود مع التاسف درمصاحبه اخیر خود درباره سانسور اخبار خبرنگاران خارجی بعنوان مصلحت انقلاب از این اقدام ناصواب دفاع کردند بنظر ما ضرورتی ندارد که مسئولان امور مطالبی را عنوان کنند که از عهده اثباتش برنیایند یا به استدلالات دست بزنند که مردم قبلا از زبان گویندگان شاهنشاهی شنیده اند سانسور مطلبی نیست که بشود از آن دفاع کرد و ما هیچ موجبی نمی بینیم که رادیو و تلویزیون خودمان هم دراین حالت انقلابی ادعاهائی سربدهد و خود را از دولت وسیاست دولت جدا کند که ناگزیر باشد دربرابر تظاهرات زنان آن توضیحات نامربوط را پخش کند و بعد هم متینگ طرفداران حجاب راه بیاندازد مگر اساسا رادیو تلویزیون مامور گروه بندی وروود روقرار دادن مردم است - بنظر مادراین شرایط اگر کارهائی که میشود مورد تائید وبااطلاع دولت است چه ضرردارد که مثل همه جای دنیا بعلت حالت فوق العاده درمدت محدودی رسما این مصلحت را اعلام و اعمال کنید و اگر بدون اطلاع دولت میشود مثل آقای بازرگان حقیقت را بمردم بگوئید والادلیلی نمی بینیم که سیاست کوسه وریش پهن پیشه کنیم هم سانسور کنیم و هم تکذیب سانسور بعد تائید سانسور بنام مصحلت - بهرحال مصاحبه اخیر آقای امیرانتظام مردم را بدریغ اورد زیرا برای دولت آقای بازرگان همان ابهام رادیو تلویزیون کافی بود و لزومی نداشت آقای امیرانتظام سخنی جدیدی جدید که اقای، میناچی وزیر اطلاعات ناگزیر از تکذیب آن بشود

دزدان فراری ومطبوعات تهران

درروزنامه ایندگان دیروز تکذیب نامه‌ای ازآقای ابوالفتح محوی دلال اسلحه ومجلس پرداز عشق شاهنشاهی آمده بود که ایشان هم هرگونه نسبت خودرا بافرعون فراری تکذیب کرده بودوباتوجه به رقم ۷۰۰۰۰ ریالی که مطبوعات شاهنشاهی برای چاپ سه سطر آگهی پرخاش مطالبه کرده اند باید قبول کرد که رقم شایسته‌ای برای چاپ این چند سطر به روزنامه پرداخت شده باشد. مابموقع درباب مالکیت روز نامه های شاهنشاهی ووراث مجهول النسب این اوراق صحبت خواهیم کرد واجازه نخواهیم داد چکمه بوسان شاهنشاهی با همان نامهای ننگین تولیست افکار عمومی را به انحصار خودنگاه داشته وازمردم شاهزده ومحروم نیز توقع بهره کشی های نوع شاهنشاهی را داشته باشند که بان عادت دارند. و فقط خریداران آنها میتوانند اشخاصی ازنوع محوی ها، خیامی ها، یزدانی ها ومنصورروحانی ها باشند. دراینجا تاکید براین حقیقت ضرورت دارد که ما باهمه نویسندگان صاحب عقیده که قلم برتخم چشم دارند درکارمطبوعات وله سازمانها همد استانیم ولی میخواهیم واصرار داریم که وضع مالکیت اوراق شاهنشاهی زودتر روشن شود ونویسندگان صاحب عقیده حتما ناگزیرنباشند حاصل کوشش فکری خودرا بانامهای کثیف اوراق شاهنشاهی بیالایند دراین باره بیشتر صحبت خواهیم داشت.

یکی ازکارگران چاپخانه به پرخاش اطلاع داده است که دردوروز گذشته ۲۰۰ هزار عکس آقای قطب زاده سرپرست رادیوتلویزیون چاپ وآماده توزیع شده است. این کارگر هزینه چاپ این عکسهارا حدود یک ونیم میلیون ریال براورد کرده است مااین خبررا با قیداحتیاط تلقی میکنیم و درحالی که ازشیوه های فعلی رادیوتلویزیون درشگفتی هستیم علت توسل به این اقدامات را نمی دانیم بنظر ماگر کسانی هم باعنوان دوستی با آقای قطب زاده به این اقدامات مبادرت میکنند نتیجه نهائی ان دشمن تراشی و تحریک افکار مردم برعلیه اقای قطب زاده است.

دراینجا ناگزیر به تاکید براین نکته هستیم که آن قسمت ازاقدامات آقای قطب زاده که درجهت تصفیه دستگاه رادیوتلویزیون ازعوامل رژیم سابق است بطور جدی مورد حمایت ماوهمه مردم اصلاح طلب کشور میباشد. ولی ناگزیر ازتائیدکارهای ناروا نیستیم

شیوه های شاهنشاهی هواپیمائی ملی

در حالیکه همه سازمانهای اداری و اجتماعی، بسرعت میروند تا شکل مردمی بخود بگیرند، هر روز در گوشه و کنار با نهاد های شاهنشاهی نظام معدوم و محکوم روبرو هستیم که یکی از آنها ادامه بطلان بلیت مسافران داخلی «هما» است که چند دقیقه دیر بفرودگاه میرسند.

این اقدام با هیچیک از موازین عقلی و قانونی وفق نمیدهد و از دوران استبداد و فرمانروائی سپهبد مقتول در «هما» بیادگار مانده است. از مسئولان هواپیمائی ملی ایران میخواهیم که این رویه را مسوخ اعلام دارند. باشد که با این مشکلات موجود و ترافیک فعلی، هموطنان به جرم چند دقیقه دیر رسیدن به پرداخت بهای بلیت جریمه نشوند. چه، همیشه در فرودگاهها هستند مسافران منتظری که جای مسافران دیر رسیده را بگیرند

عفو عمومی

منابع موثق اطلاع میدهند فرمان بخشودگی آندسته از دستگیر شدگانی که در رژیم طاغوتی خطاهائی کوچک مرتکب شده اند، توسط مهندس بازرگان از امام گرفته شده و با حلول سال نو ضمن پیام نوروزی نخست وزیر اعلام خواهد شد.

ساختمانهای حزب رستاخیز را به مدرسه تبدیل کنید

دراین روزها ،ساختمانهای حزب رستاخیز درگوشه و کنار همچون خنجری برجان و دل مردم ازاده ایران فرومیرود و حالا که حزب رستاخیز بدرک واصل شده است اقلا این خارهای راه اصلاح طلبان و کانونهای فسادی که درگوشه و کنار بنام حزب رستاخیز با خون دل مردم برپا کرده بودند به موسسات فرهنگی واگذار کنید تا با تاسیس مدرسه از بارگناه بانیان آنها کاسته شود.

عاملان تباهکاریهای دانشگاهی از قلم افتاده اند

دانشگاههای ما، اموزش عالی ما، محیط علمی ما، اموزش و پرورش ما بدست نوکرانی بی ازرم بروز سیاه نشست و عمال کثیف نظام صد چندان بدتر از انچه در غارت بیت المال عمل کرده بودند بر سر فرهنگ و مجامع اموزشی این ملک آوردند و بنیاد های آنرا فرو ریختند. اینان در نوکری ساواک با یکدیگر مسابقه گذاردند و هر یک سعی داشت که در ایام تصدی خود گوی سبقت را از سلف خود برباید و هر چه بیشتر با خبر چینی از مردمان با فضیلت و ایجاد مضایق مختلف برای آنها آتش بیار معرکه باشند و آب به آسیاب ساواک و رژیم ضد خلقی بریزند. هوا و فضای دانشگاه و مدارس عالی در زمان این قره نوکران مسموم و آلوده بود و فساد و تباهی در کلیه ارکان اداری رخنه داشت و رجاله ها علمدار و میاندار بودند.

در میان بازداشت شدگان نامی از هیچیک از این سیاهکاران نیست. از دکتر فرخ روی پارسا ان دزد که بر راهزنان گردنه پیشی داشت، از قاسم معتمدی دلال فاطمه پهلوی، از آلوده دامنی چون نهاوندی با گروه اندیشمندانش سخنی در میان نیست.

از دکتر طوسی ساواکی حقیر و دکتر سمیعی پرورش یافته سیا و همه این ادمکها و آبرو باخته ها نشانی نمی بینیم.

امید است که آقای وزیر علوم موضع انقلابی دولت و نیاز ها و طپش های انقلابی جامعه را درک کنند و بدانند که تعقیب و مجازات این فاسدان ضامن سلامت محیط آموزشی کشور است که گفته اند اگر خاطی مجازات نبیند دامنه ظلم و بیداد گسترده می شود.

با زندانیان فراری چه خواهد شد

با گشوده شدن زندانهای رژیم سابق همه زندانیان ازاد شدند که درمیان انها از هرنوع مجرم و محکوم میتوان یافت که درمراحل مختلفه دادرسی قرار داشته اند - مایه تاسف انکه بقرار اطلاع درچند مورد زندانیان بسراغ خانواده های شاکی رفته و مرتکب جنایت جدیدی هم شده اند.

اینک بقرار اطلاع وزارت دادگستری درصدد تهیه طرحی است که وضع این زندانیان را روشن کند بقرار یک خبر کلیه محکومان و متهمان معاملات قاچاق و مواد مخدر بخشوده خواهند شد و به انان امکان داده میشود بشیوه ای در - جامعه جدید ایران بکار شرافتمدانه مشغول شوند.

در بین دیگر محکومان آندسته که گذشت شاکی خصوصی را بدست آورده اند نیز از تعقیب مجدد مصون خواهند ماند و فقط دسته ایکه مرتکب جنحه بزرگ یا جنایت شده وشاکی خصوصی داشته باشند برمبنای قوانین جدید بمحاکمه دعوت خواهند شد انتظار میرود با آغاز فعالیت مجدد دادگستری ترتیب جمع آوری زندانیان فراری نیز داده شود.

دکوراتور محفلی

کاخ وزارت کشاورزی در تصدی منصور روحانی ببهای ۷۰ میلیون تومان تزیین شده است. قرار داد تزیین و دکوراسیون اپن کاخ باخانمی بنام مهری گلستانی که در آن هنگام فوق دیپلم خود را در طراحی از انگلستان گرفته و بتازگی بایران برگشته بود، بسته شد. همچنین این خانم در تزیین تالار رودکی نیز دست داشته و حق الزحمه‌ای معادل ۲۰ میلیون تومان عایدش شده است. راوی حکایت میگند که خانم در اندک مدت ثروت کلانی بهم میزند و صاحب خانه‌ای در امیر آباد می شود که استخر های سرپوشیده آب سرد و گرم از تأسیسات ابتدائی آنست.

مصدق از دیدگاه مهندس بازرگان و یارانش



«... واما چرا در آنروزها برای مصدق کف میزدند وامروز هم اگر دولت بگذارد اورا روی دوش از احمد آباد بتهران خواهند اورد وچرا نهضت آزادی باواحترام گذارده ومیگذارد؟ جواب این سئوال را مادر بیانیه روز افتتاح نهضت دادیم: مصدقی هستیم ومصدق را از خادمین بزرگ وافتخارات ایران وشرق میدانیم. ولی نه بآن معنی ومقصدی که از روی جهل وغرض تهمت زده مکتب اورا مترادف با هرج ومرج وتقویت کمونیسم و تعصب ضدخارجی وجدائی ایران از جهان معرفی کرده اند. ما مصدق را بعنوان یگانه رئیس دولتی که در طول تاریخ ایران محبوب ومنتخب واقعی اکثریت مردم بود وقدم در راه خواسته های ملت برداشته وتوانست پیوند بین دولت وملت را برقرار سازد ومفهوم واقعی دولت را بفهماند وبه بزرگترین موفقیت تاریخ اخیرایران یعنی شکست استعمار نائل گردد، تجلیل می کنیم.»

از مدافعات مهندس بازرگان در بیدادگاه نظامی

همگام با کمیته های انقلاب، کمیته های استیفای حقوق ستمدیدگان از رژیم را تشکیل دهید

بحمدالله کار کمیته های انقلاب و دستگیری متجاوزان به حقوق و حیثیت انسانی و بیت المال به بهترین وجه ادامه دارد و کسانی هم که از چنگال انتقام ملت گریخته‌اند بزودی دستگیر و در دادگاه انقلابی خلق محاکمه و مجازات خواهند شد. اما نکته‌ای که توجه بآن از ضرورت خاص برخوردار است، اینستکه عمال بیدادگر رژیم با بیباکی و سفاکی هر چه تمامتر بحقوق عمومی تجاوز نموده و بر اصحاب حق و فضیلت و مردمی ذره‌ای انصاف روا نداشته‌اند و بکمک قوانین ظالمانه و مقررات بوروکراتیک و دستیاری اختناق و شیوه های پلیسی و پرونده سازی آنها را از حیز زندگی ساقط نموده‌اند. این ستمدیدگان انتظار دارند که همزمان با مجازات وتنبیه جانیان در استیفای حقوق و دلجوئی انان نیز اقدامات مجدانه‌ای از طرف دولت بعمل آید که بقول معروف دردها کهنه است و التهاب ها بسیار.

یاد یاران







همکاران پیشوای زنجیرگسل ما که اکنون درمیان ما نیستند.

آقای باقرکاظمی نایب نخست وزیر وکفیل نخست وزیری درمسافرتهای پیشوا که پس‌از کودتا به راه پیشوا پایدار ماند و شرف ملی خود را حراست کرد.

محمود نریمان همکار مبارز وشجاع پیشوا درجبهه ملی که طرح ملی شدن صنعت نفت درخانه او بتصویب رسید مردم در روز درگذشت این شخصیت ملی تظاهراتی عظیم تا قلهک برپا کردند.

کشاورز صدر

استاندار اصفهان که در روز چهارشنبه ۲۸ مرداد تا غروب مقاومت کرد وسپس چهره درخشان وسخنگوی جبهه ملی ایران بود.

یادشان گرامی و روحشان شاد